

انجمن نجات

ANJOMAN-e NEJAT



نشریه انجمن نجات

شماره - ۸۴ مرداد ماه

با گفتار و نوشتاری از:

عاطفه نادعلیان
ابراهیم خدابنده
مهرداد حسینی
زهرا میرباقری
قربانعلی پوراحمد
ایرج صالحی
علی اکرامی
علی مرادی
هادی شبانی
مزدا پارسی





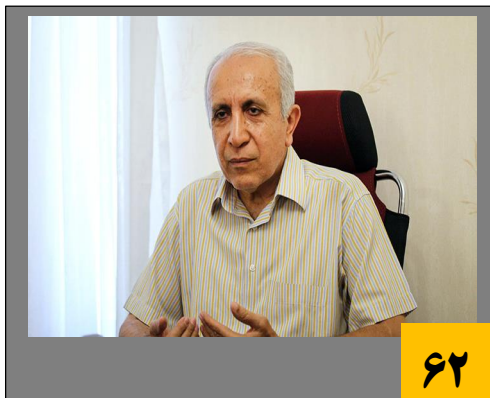
۷



۱۷



۵۲



۶۲

سیاسی

- * گروه تروریستی مجاهدین و پیوند با گروههای تروریستی کرد. - ۲۰
- * سیاستمدارانی که خود را می فروشند. - ۲۳
- * همه ایرانیان مجاهدین را خصم خود می دانند. - ۲۸
- * اظهار نظرها از حضور شخصیت‌های نزدیک به ترامپ در میتینگ فرقه رجوی. - ۳۲
- * اسرائیل حمایتش از فرقه تروریستی رجوی را علنی نمود. - ۳۷
- * سازمان مجاهدین دست "بولتون" است. - ۶۱

گزارش

- * گزارش ان.بی.سی از نفوذ مجاهدین در کاخ سفید در قمار خطرناک ترامپ - ۴
- * ویژه- گزارش - ۷
- * لفاظی های بوستون با حرف های سرکرده منافقین شباهت بسیار دارد- ۱۳
- * عملیات دروغ جاویدان یا نقطه فروبازی فرقه رجوی - ۳۹
- * پخت و پز منافقین برای سوزاندن آشپز "رجوی" - ۴۲
- * من شاهد خودکشی زهرا نوری در سازمان مجاهدین بودم. - ۵۵

خبر

- * نشریه پازتا ایمپکت تیرانا: مجاهدین نمیتوانند ثابت کنند رهبرشان مسعود رجوی زنده است. - ۱۱
- * کتاب (خداوند اشرف از ظهور تا سقوط) به چاپ دوم رسید. - ۱۲
- * رجوی هم باید مثل عدنان اوکتر دادگاهی شود. - ۵۸

خانواده

- * امیدوار به دیدار فرزندم هستم. - ۱۰۰
- * خانواده اسیران، خاری درچشم و استخوانی در گلو رجوی. - ۱۵
- * حقوق بشر کجاست؟ - ۲۷
- * تا جدایی نهایی حبیب از فرقه رجوی از تلاش دست نخواهیم کشید- ۴۵
- * گناه ما چیست؟ - ۴۶
- * دیدار آقای عادل کشمیری با اعضای دفتر انجمن نجات خوزستان. - ۵۴
- * خانواده پاد زهر هر توطئه فرقه رجوی علیه جدادگان. - ۶۶

آلبانی

- * درد و رنج خانواده محمدی- ۱۷
- * شناسایی جدادگان توسط مریم در آلبانی- ۲۴
- * تلاش بی ثمر مریم رجوی برای فراموشی مرگ مالک شرعی درهیاوی ویلپنت- ۵۰
- * چه وقت "سمیه ها" از حصار فرقه مجاهدین در آلبانی رها خواهند شد؟- ۵۲

بیانیه

- * شورای ملی مقاومت ارگان پوششی مجاهدین خلق-

تسلیت

- * خانواده زاد اسماعیلی - خانواده غلام رضا نوری و آقای محمد آق



گزارش ان. بی. سی از نفوذ مجاهدین در کاخ سفید؛ "قمار خطرناک ترامپ"

شبکه ان. بی. سی با اشاره به حضور افرادی چون «جان بولتون» و «رودی جولیان» در دولت آمریکا، ارتباط دولت ترامپ با گروهک مجاهدین را قمار خطرناک توصیف کرده است.

به گزارش گروه مانیتورینگ بین‌الملل خبرگزاری

شده گروهک مجاهدین و شماری از کارشناسان اروپایی گفت‌وگو کرده است.

انگل در ابتدای این گزارش، مجاهدین را «یکی از قدیمی‌ترین و عجیب و غریب‌ترین» دشمنان ایران توصیف کرده و می‌گوید نحوه فعالیت و منابع مالی این گروه تعجب‌برانگیز است. ان. بی. سی با پخش تصاویری از «جان بولتون» مشاور امنیت ملی دولت آمریکا و «رودی جولیان» وکیل رئیس‌جمهور آمریکا در یکی از نشست‌های گروهک مجاهدین، اظهارات این دو نفر و دیگر مقام‌های آمریکایی درباره لزوم «تغییر



رژیم در ایران» را «خوشایندتر از هر چیز» برای این گروه توصیف کرده و می‌گوید بولتون، جولیان و دیگر مقامات حاضر در نشست‌های مجاهدین «پول خوبی» برای این کار دریافت می‌کنند.

فرقه مخرب

این شبکه با اشاره به اینکه جولیان از این گروهک با عنوان «چشم‌انداز آینده ایران» یاد کرده، می‌گوید: "اما این چشم‌انداز، بسیار تاریک‌تر

فارس، پس از انتشار بخش‌هایی از گزارش شبکه «ان. بی. سی» از کمپ گروهک مجاهدین در آلبانی و مصاحبه با اعضای سابق این گروهک، این رسانه بخش مفصل‌تری را از گزارش تحقیقی خود منتشر کرد. این گزارش را «ریچارد انگل» خبرنگار ارشد شبکه ان. بی. سی درباره گروهک تروریستی مجاهدین تهیه کرده و در جریان آن علاوه بر سفر به آلبانی برای مشاهده محل استقرار این گروهک، با چند نفر از اعضای جدا



از آنچیزی است که چنین گردهمایی‌هایی بتواند آن را فاش کند. مجاهدین خلق یک گذشته شیطانی دارد و وعده‌هایش درباره دموکراسی و آزادی از نظر کسانی که آن را بهتر می‌شناسند، وعده‌های توخالی هستند."

"مسعود خدابنده" از اعضای سابق تیم اطلاعاتی گروهک مجاهدین، می‌گوید: «شما نمی‌توانید به این گروه اعتماد کنید. آنها به دموکراسی اعتقادی ندارند. فکر نمی‌کنم هیچ افسر و مامور نجیب و باهوشی در آمریکا هم فکر کند که آنها قابل اعتماد هستند."

او در پاسخ به این سوال که توصیفش از این گروه چیست، می‌گوید: «من فقط از دو کلمه استفاده خواهم کرد: فرقه مخرب. آنها (اعضای خود را) از منظر فیزیکی، مالی و روحی و روانی تحت کنترل قرار می‌دهند."

انگل با اشاره به اینکه مجاهدین در جریان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران با صدام دیکتاتور وقت عراق همراهی و علیه ایران جنگیده‌اند، گفت این گروه به دلیل کشتن چند آمریکایی پیش از انقلاب اسلامی، در سال ۱۹۹۷ در فهرست گروه‌های تروریستی آمریکا قرار گرفته بود. "دنیل بنجامین" که در دولت سابق آمریکا هماهنگ‌کننده در امور مقابله با تروریسم بود، می‌گوید: «یک سابقه طولانی از خشونت و خونریزی در اینجا (درباره مجاهدین) وجود داشت و در آن زمان، مجاهدین خلق واقعا به عنوان یکی از سازمان‌های توانمند و خطرناک برای چنین اقداماتی در جهان سر بر آورده بود."

وی افزود: «واقعا جالب توجه است که گروهی که دستانش به خون آمریکایی آغشته است، اگرچه

اکنون یک گروه سابقا تروریستی در نظر گرفته می‌شود، ارتباطات و تماس‌هایی با افرادی چون رودی جولیان و جان بولتون داشته باشد." بنجامین سپس مدعی شد دلیل خارج شدن نام مجاهدین از فهرست گروه‌های تروریستی آمریکا این بوده که جان اعضای این گروه در عراق در خطر بوده و تا زمانی که برچسب تروریست روی این گروه وجود داشته، هیچ کشوری حاضر به میزبانی از آنها نبوده است.

هر دو حزب آمریکا آلوده به پول

مجاهدین

ان. بی. سی با بیان اینکه این گروه همچنان گاه‌گاه عملیات‌های مخفیانه‌ای در خاک ایران انجام می‌دهد، می‌گوید اما اکنون کنگره آمریکا به عرصه اصلی نبرد این گروه بدل شده و تلاش آنها برای تغییر نظام ایران از سوی نمایندگان هر دو حزب آمریکا مورد حمایت و استقبال قرار گرفته است.

"جوآن استاکر" دبیر پایگاه «دیفنس پست»، می‌گوید: «آنها (اعضای دو حزب آمریکا) این گروه بر اساس حرف‌هایش که می‌گوید از حمایت مردمی برخوردار است، می‌بینند" استاکر که نزدیک به یک دهه درباره مجاهدین تحقیق کرده، به فهرستی از کمک‌های مالی این گروهک به سیاستمداران آمریکایی دست یافته که نشان می‌دهد سیاستمداران برجسته هر دو حزب اصلی آمریکا در رقابت‌های انتخاباتی از مجاهدین پول دریافت کرده‌اند.

"جورج دبلیو بوش" اتور جمهوری خواه و «باراک اوباما» رئیس‌جمهور سابق آمریکا از جمله افرادی هستند که در این گزارش از آنها به عنوان



دریافت کنندگان مبالغ مالی از مجاهدین یاد شده است.

اما به گفته استاکر، کنفرانس ها و گردهمایی های مجاهدین محلی است که سیاستمداران آمریکایی با حضور در آن پول خوبی به جیب می زنند. وی می گوید: " آن ها به افراد هزاران دلار، ده ها هزار دلار برای حضور در تجمعاتشان و سخنرانی کردن در حمایت از آنها پرداخت می کنند."

هرچند بولتون از افشای مبالغی که از این گروهک دریافت کرده خودداری می کند، اما به گفته استاکر بر اساس دفعات حضور او در این تجمعات و با در نظر گرفتن اینکه مجاهدین معمولاً بین ۲۰ تا ۳۰ هزار دلار بابت هر سخنرانی می پردازند، بولتون باید تاکنون بیش از ۱۸۰ هزار دلار از این گروه پول دریافت کرده باشد.

کامیون های مملوء از طلا، هدیه ریاض به مجاهدین

ان. بی. سی با اشاره به نامعلوم بودن منافع مالی مجاهدین، از عربستان سعودی به عنوان یکی از گزینه های محتمل یاد می کند. «مسعود خداینده» عضو سابق مجاهدین و تیم امنیتی سرکرده این گروهک، حمایت مالی ریاض از مجاهدین را تایید می کند.

او می گوید: «من شخصا برای مجاهدین [خلق] از عربستان سعودی به عراق پول آوردم... سه کامیون طلا بود... فکر می کنم هر کدام یک تن طلا داشت.

بنجامین درباره بولتون و حضور او در دولت آمریکا می گوید: «از نظر شخص من این موضوع جالب توجه است که کسی مانند جان بولتون که با مجاهدین خلق پیوند و ارتباط داشته، بتواند

صلاحیت امنیتی برای دسترسی به اطلاعات محرمانه بگیرد، چرا که این موضوع باید برای افراد بسیاری نگرانی های شدید برانگیزد». استاکر هم بولتون را «آدم» گروهک مجاهدین می خواند و می گوید حالا آدم آن ها در کاخ سفید حضور دارد و به رئیس جمهور آمریکا مشاوره می دهد.

ان. بی. سی در ادامه گزارش اشاره می کند که بولتون که در نشست های مجاهدین بارها از لزوم «تغییر رژیم ایران» صحبت کرده، حالا در حال تدوین سیاست های دولت آمریکا است.

قمار خطرناک

این شبکه می افزاید: «دفتر بولتون به درخواست ما برای اظهارنظر جوابی نداد، اما جولیانی این کار را کرد. او دقیقاً به خاطر می آورد که رابطه اش با مجاهدین خلق چه زمانی شروع شد. سپتامبر ۲۰۰۸. البته او گفته که به خاطر نمی آورد آن ها طی این سال ها چقدر پول به او پرداخت کردند. او گفت این که این گروه در گذشته به عنوان یک گروه تروریستی معرفی شده، اقدام اشتباهی بوده است"

در پایان این گزارش، انگل ایفای نقش این افراد در سیاستگذاری در کاخ سفید را «مخاطره آمیز» می خواند و می گوید: "ما رئیس جمهور خطر کردن را دوست دارد و همیشه یک قمارباز بوده، اما همیشه در این قمارها پیروز نبوده است. سوال این است که ما، به عنوان یک ملت، می توانیم هزینه قمار او را بپردازیم؟"



مخاطب اپوزیسیون برای حمایت و به اعتبار شناخته شدن است، وقتی به دعوای درونی آن نمی گذارد و در عوض خواهان اتحاد گروهها و اشخاص بوده است تا شاید از این طریق آلترناتیو مقبولیت یابد.

پیشنهاد تشکیل جبهه واحد از مخالفان جمهوری اسلامی تحت عنوان آلترناتیو، هم پیشنهاد اروپایی است و هم راه کار آمریکایی؛ از شوهای دهه هفتاد مجاهدین با حربه حضور خوانندگان لس آنجلسی تا بگویند ما سر اتحاد داشتیم و دیگران نخواستند تا دعوت از سیاستمداران شومن آمریکایی در تجمع ویلپنت که مجاهدین را تنها آلترناتیو قابل قبول معرفی نمایند، واکنشی به این موضوع است.

در مقابل تشکیل آلترناتیو متحد، قبل از آن که عقلانیتی برای انسجام بخشی به مدعیان مبارزه با جمهوری اسلامی باشد، حاصل کلافگی غرب از نداشتن یک گزینه مشروع برای جایگزینی جمهوری اسلامی است، رد پا و نشان سردرگمی و ناتوانی آمریکا در ایجاد اتحاد بین مخالفان جمهوری اسلامی در سخنان روز گذشته پمپئو وزیر خارجه ایالات متحده مشخص بود هنگامی

اطلاعات به دست آمده حاکی از آن است که در چند ماه گذشته باند تروریست رجوی از طریق خبات و چند نفر از عوامل محلی اش، مذاکراتی را در این راستا با حزب دمکرات، کومله و پژاک انجام داده است که در حال حاضر با واکنشهای تردیدآمیزی از سوی کومله و دمکرات و استقبال پژاک همراه بوده است. هدف اصلی از این همکاری همانگونه که ذکر شد در چارچوب استراتژی عربستان و شعله ور کردن هر چه بیشتر آتش درگیری ها در مناطق کردی ایران است، اما در این مرحله پشتیبانی تبلیغاتی و رسانه ای مجاهدین از اقدامات مسلحانه گروههای تروریست کردی مورد توافق واقع شده است.

صیوروت ناگزیر آلترناتیو به سمت تروریسم

دعوا بر سر ادعای آلترناتیوی میان مخالفان جمهوری اسلامی آن هم در خارج از ایران بالاست.

این دعوایی است که سه دهه قدمت دارد و به طور جدی پس از پایان یافتن جنگ صدام علیه ایران آغاز شده است. اما غرب که پناهگاه و



که اظهار داشت: «هرچند ایرانیان دارای زمینه های مختلف دینی و اجتماعی هستند، اما همه شما موافق هستید که رژیم ایران کابوسی برای ایرانیان بوده، و مهم است که اختلافات شما در مورد سایر مسائل اتحاد شما را در این مورد تضعیف نکند.»

آمریکا، حتی آمریکای ترامپ به خوبی واقف است که ایران، عراق صدام حسین نیست که بشود آن را اشغال کرد و برایش حاکم نظامی گمارد، از این رو مهمترین اقدام در دولت ترامپ به موازات تلاش برای اجماع جهانی علیه ایران، کوشش برای همراه نمودن افکار عمومی ایرانیان در داخل و خارج از کشور است.

برای اپوزیسیون نیز دستور کار مشخص است، باید سر یک میز بنشینند اما نه برای نشستن پشت میز و چانه زنی در یک مذاکره مانند مدل سوری، بلکه برای قربانی شدن و عبور از دوران گذار همانند مدل افغانستانی.

مجاهدین خلق معنای این درخواست را می فهمند و نمی خواهند امتیازهای غرب را با کسی تقسیم کنند و در سر بزنگاه برای تحمیل خود به آمریکا با سلطنت طلبان دعوا راه انداخته اند و اساس آلترناتیوی به جز خود را مورد هجوم قرار داده اند، نگاه کنید به موضع گیری مریم رجوی در همین تجمع اخیر مجاهدین در پاریس:

"صنعت آلترناتیوسازی مجازی و مونتاژ در بازار سیاست البته با کپی چسبان، این روزها رونق یافته است اگر بدون تشکیلات و سازمان رهبری کننده، بدون عبور از کوره های گدازان سنجش و آزمایش و بدون پرداخت قیمت و فدا و مجاهدت می توان به کار این رژیم پایان داد، ما می گوییم: بفرمایید،

درنگ نکنید. اگر بدون سابقه و پشتوانه جنگیدن با دو رژیم، بدون مرزبندی با دیکتاتوری و وابستگی، بدون مقاومت سراسری و کهکشان شهیدانش و بدون درافتادن با اصل ولایت فقیه و اصلاح طلبان قلابی، می توان حاکمیت مردم را جایگزین کرد، بفرمایید، درنگ نکنید.

در این ۴۰ سال، مدعیانی که اهل قیمت دادن نبودند، همه، شانس خود را آزمودند. ولی واقعیتها و تجربه ها، نشان داده که این، نه استحاله و اصلاح می شود، نه «سبز» و «مخملی». سرنگونی این رژیم، لاجرم قیمت می خواهد. صداقت و فدا می خواهد. سازمان و تشکیلات و جایگزین مستحکم سیاسی می خواهد. کانون شورشی می خواهد و ارتش آزادی."

اما هم آمریکا و هم مجاهدین می دانند که استراتژی «فشار برای ایجاد آشوب از درون» که دولت ترامپ پیش گرفته است، نیازمند همراهی و اقناع افکار عمومی داخل و خارج از کشور است که اساساً مقوله ای متفاوت با براندازی از نوع سرنگونی طلبان است و در چشم انداز فروپاشی را مطمح نظر دارد. ساحتی که در آن نه به گروهک تروریستی مجاهدین خلق و سلطنت طلبان و نه به سیاستهای ترامپ وقعی گذاشته نمی شود.

اتفاقی که اگر منطق آمریکا در مقابل ایران درست و انسانی بود در طول ۴۰ سال گذشته جواب می داد و نیازی به سخنرانی آقای پمپئو در جمع ایرانیان مقیم آمریکا و برنامه های فریبکارانه ای که رویترز بخش کوچکی از آن را افشا کرد نمی بود.

در میان بلبشویی که ترامپ، نتانیاهو و بن سلمان علیه ایران به راه انداخته اند، گروهک تروریستی



اتفاقی بیفتد، مطلقاً فاقد قدرت تأثیرگذاری بر روی افکار عمومی در جهت تحقق خواسته‌های می‌باشند. در یک کلام تروریست، تروریست باقی خواهد ماند.

مجاهدین خلق با اتکا به ماهیت تروریستی خود و هم زمان با آویختن به کاخ سفید و تحت محافظت رژیم صهیونیستی، به جانب استراتژی عربستانی «کشیدن آتش جنگ به داخل ایران» میل کرده است؛ در این مسیر با گروه‌های تروریست کردی که با پشتیبانی عربستان تحرکات نظامی جدیدی را در مرزهای غربی کشورمان آغاز کرده‌اند، به قصد ائتلاف و همکاری‌های بیشتر وارد مذاکره شده است.

اطلاعات به دست آمده حاکی از آن است که در چند ماه گذشته باند تروریست رجوی از طریق خبات و چند نفر از عوامل محلی‌اش، مذاکراتی را در این راستا با حزب دمکرات، کومله و پژاک انجام داده است که در حال حاضر با واکنش‌های تردیدآمیزی از سوی کومله و دمکرات و استقبال پژاک همراه بوده است. هدف اصلی از این همکاری همانگونه که ذکر شد در چارچوب استراتژی عربستان و شعله‌ور کردن هر چه بیشتر آتش درگیری‌ها در مناطق کردی ایران است، اما در این مرحله پشتیبانی تبلیغاتی و رسانه‌ای مجاهدین از اقدامات مسلحانه گروه‌های تروریست کردی مورد توافق واقع شده است.

این وضعیت نشان می‌دهد که گروه‌هایی که آمریکا برای متحد کردن آنها سرمایه‌گذاری می‌کند نه تنها به هیچ وجه پای یک میز نخواهند نشست، بلکه حتی بر فرض محال که چنین

گروهک تروریستی
مجاهدین خلق معنای این
درخواست را می‌فهمند و
نمی‌خواهند امتیازهای غرب
را با کسی تقسیم کنند و در
سر بزنگاه برای تحمیل خود
به آمریکا با سلطنت طلبان
دعوا راه انداخته‌اند



امیدوار به دیدار فرزندم هستم

دیدار خانواده حسن کاویار با انجمن کرمانشاه



آقای حسین حسن کاویار پدر **محسن حسن کاویار** می باشد که اسیر فرقه رجوی و ساکن آلبانی می باشد . آقای حسن کاویار که از خانواده های فعال و در ارتباط با انجمن می باشد پس از یک دوره بیماری و عمل قلب با کادر انجمن دیداری تازه کردند.

در این دیدار آقای حسن کاویار اظهار داشت: "اکنون که مجدد سلامتی اش را کاملاً به دست آورده آماده هرگونه تلاش برای رهایی فرزندش از اسارت فرقه رجوی می باشد."

طبق گفته آقای حسن کاویار فرزندش در یکی از عملیات ها اسیر فرقه می شود و تنها کسی بوده که تا آخرین لحظه سلاحش را تحویل مجاهدین نداده است و مقاومت کرده است و اکنون این پدر درد کشیده اعتقاد دارد که فرزندش هیچ سختی با این فرقه نداشته است و به ناچار گول تبلیغات این فرقه را خورده است.

آقای حسن کاویار می گوید: "اکنون در این شرایط که سنم بالا رفته، امیدوارم فرزندم را ملاقات کنم."





نشریه گازتا ایمپکت تیرانا: مجاهدین نمیتوانند ثابت کنند رهبرشان مسعود رجوی زنده است

مطلب هافینگتون پست تحت عنوان “جنجال بزرگ

برای اینکه مجاهدین خلق نمیتوانند ثابت کنند رهبرشان مسعود رجوی زنده است” را به زبان آلبانی ترجمه و تکثیر نموده است. خبر مرگ مسعود رجوی توسط شاهزاده عربستان سعودی ترکی الفیصل در زمانی است که اخراج و انتقال فله ای الباقی نفرات مجاهدین خلق از ...

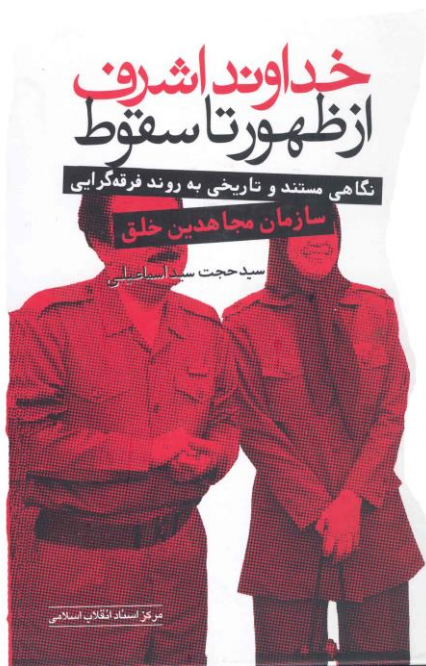
(نشریه گازتا ایمپکت
تیرانا (آلبانی) مطلب
هافینگتون پست تحت
عنوان “جنجال بزرگ
برای اینکه مجاهدین
خلق نمیتوانند ثابت کنند
رهبرشان مسعود رجوی
زنده است” را به زبان
آلبانی ترجمه و تکثیر



نموده است. خبر مرگ مسعود رجوی توسط شاهزاده عربستان سعودی ترکی الفیصل در زمانی است که اخراج و انتقال فله ای الباقی نفرات مجاهدین خلق از عراق به آلبانی در دستور کار سازمان ملل قرار گرفته و سران تحت تعقیب سازمان توسط سازمان امنیت عربستان با اسناد جعلی به کشورهای اروپایی فرار می کنند. خبر مرگ رئیس فرقه تروریستی باعث شده است تا سوالات پیرامون توانایی آلبانی در زهر کشی از بقایای صدام و تضمین امنیت عمومی در این کشور مجدداً به مطبوعات کشیده شود – ایران اینترلینک)
(نشریه گازتا ایمپکت تیرانا (آلبانی) مطلب هافینگتون پست تحت عنوان “جنجال بزرگ برای اینکه مجاهدین خلق نمیتوانند ثابت کنند رهبرشان مسعود رجوی زنده است” را به زبان آلبانی ترجمه و تکثیر نموده است. خبر مرگ مسعود رجوی توسط شاهزاده عربستان سعودی ترکی الفیصل در زمانی است که اخراج و انتقال فله ای الباقی نفرات مجاهدین خلق از عراق به آلبانی در دستور کار سازمان ملل قرار گرفته و سران تحت تعقیب سازمان توسط سازمان امنیت عربستان با اسناد جعلی به کشورهای اروپایی فرار می کنند. خبر مرگ رئیس فرقه تروریستی باعث شده است تا سوالات پیرامون توانایی آلبانی در زهر کشی از بقایای صدام و تضمین امنیت عمومی در این کشور مجدداً به مطبوعات کشیده شود – ایران اینترلینک)



کتاب (خداوند اشرف از ظهور تا سقوط) به چاپ دوم رسید



کتاب خداوند اشرف از ظهور تا سقوط به قلم آقای سید حجت سید اسماعیلی در تیراژ ۱۰۰۰ نسخه و با ویرایش جدید در پاییز سال ۹۶ توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی مجدداً به چاپ رسید.

این کتاب از طریق کتابفروشی های متعلق به مرکز اسناد انقلاب اسلامی در تعدادی از استان های کشور و همچنین در اینترنت قابل خرید و دسترسی است.

شایان یادآوری است که این کتاب در تابستان سال ۱۳۹۳ توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی چاپ و منتشر شده بود.

کتاب خداوند اشرف از ظهور تا سقوط در ۵ بخش، ۱۶ فصل

و در ۹۴۰ صفحه به رشته تحریر درآمده و نگاهی مستند و تاریخی به روند فرقه گرایی سازمان مجاهدین خلق دارد که در ردیف فرقه های سیاسی - مذهبی دسته بندی گردیده است.

از نظر نویسنده، گروهک تروریستی مجاهدین خلق به رهبری مسعود رجوی به دوره ای تعلق داشت که در آن بازار ایدئولوژی های هویت ساز گرم بود. بنابراین ایدئولوژی هویت ساز رجوی نه بر پایه مکاتب الهی بلکه بر اساس خودفهمی و هویت سازی مذهبی خاص خود او شکل گرفته بود. رجوی تلاش کرد تا با افکار آرمان گرایی و ایدئالیستی خود خط فاصلی بین تشکیلات مجاهدین خلق و مذهب اسلام ایجاد کند و با شعار «جامعه بی طبقه توحیدی»، «انسان های طراز مکتب» خود را بسازد.

این ایدئولوژی در هویت بخشی به زندگی سیاسی و اجتماعی، ایده هایی حتی چپ تر از بقیه ایدئولوژی های موجود در ایران را نوید می داد و با شعار «اسلام در چپ مارکسیسم» تلاش کرد ایدئولوژی حاکم بر مجاهدین خلق را متریقی نشان دهد. ولی ورای همه ی جوسازی های مضحک فرقه ای و فروکش کردن گرد و خاک فریبکاری ایدئولوژیکی، به حق باید فرقه تروریستی سازمان مجاهدین خلق را «مرتجعین چپ نما» و در طیف فرقه های سیاسی - مذهبی دسته بندی کرد.

رهبری فرقه تروریستی مجاهدین خلق با عینک انقلاب ایدئولوژیک هویت انسان ها را به عنوان مقوله ای یکدست تحت تأثیر عقاید قرون وسطایی و فرقه ای خود قرار داد. در حالی که چنین هویت «خالص و ناب» که رجوی خود را طلایه دار آن می دانست هرگز واقعیت تاریخی نداشت و برگرفته از آگاهی های ناقص از اسلام و مارکسیسم بود که لاجرم رجوی را وادار به تبعیت از یک ایدئولوژی التقاطی می کرد که در ریشه، از همان اصول بنیادگرایی که بر تار و پود تشکیلات فرقه مجاهدین خلق حاکم بود، نشأت می گرفت.



لفاظی‌های بولتون با حرف‌های سرکرده منافقین شباهت بسیار دارد

نشریه آلمانی در گزارشی درباره همکاری گروهک تروریستی منافقین و همکاری‌های آنان با آمریکا نوشت که واشنگتن این گروه را ابزار برای تغییر حکومت ایران قرار داده است.

به گزارش گروه بین‌الملل خبرگزاری فارس، نشریه آلمانی اشپیگل، خروج آمریکا از توافق هسته‌ای با ایران (برجام) در پی اعلام تصمیم «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا را از زاویه نزدیک شدن و ارتباط با گروهک منافقین مورد بررسی قرار داده است و در گزارشی با عنوان «دوست جدید آمریکا» به این موضوع پرداخته است.

در گزارش اشپیگل آمده است: «ترامپ بارها از توافق هسته‌ای با ایران به عنوان بدترین توافق که تاکنون در پی مذاکره به دست آمده است، یاد می‌کرد و اکنون بر خلاف نظر بسیاری از کشورها از جمله آلمان، فرانسه، بریتانیا، چین و روسیه از این توافق خارج شده است. باید دید که رئیس‌جمهور آمریکا به دنبال چه هدفی است و از چه کسی در راستای این هدف حمایت می‌کند؟ جان بولتون به عنوان مشاور امنیتی ترامپ آنچه که آمریکا از ایران می‌خواهد را به زبان آورد و آنهم تغییر حکومت در ایران است و روشن است که آمریکایی‌ها در این زمینه به مجاهدین خلق (گروهک تروریستی منافقین) متکی هستند.»

در ادامه آمده است که البته ترامپ چنین چیزی را به زبان نیاورده است، بلکه مشاور تندروی او است که سالهاست اینچنین موضع‌گیری می‌کند. بولتون می‌گوید که رفتار دولت ایران تغییر نمی‌کند و به همین دلیل تنها یک راهکار باقی می‌ماند و آنهم تغییر حکومت در ایران است. بولتون در جریان مراسمی در میان گروه مجاهدین خلق هم از تغییر حکومت در ایران صحبت کرد و با استقبال مواجه شد. این سازمان که خود را سکولار و دموکراتیک توصیف می‌کند در گذشته با دیدگاه‌های مارکسیستی و استالینیستی در اقدام



نظامی دست داشته است. هدف این گروه هم سرنگونی حکومت ایران است. بولتون در جمع این افراد گفت: «پیش از سال ۲۰۱۹ همگی با هم در تهران جشن می‌گیریم.»

به نوشته اشپیگل، بولتون شک ندارد که گروهک تروریستی مجاهدین خلق جایگزین قدرت حاکم در ایران است. این در حالی است که بیشتر حامیان این گروه در خارج از ایران به سر می‌برند و تعدادی هم در زندان‌ها جان باختند و شمار نیروهای این گروه حداکثر ۱۵ هزار تن برآورد می‌شود. مجاهدین خلق می‌توانند شریک آمریکا باشند. این گروه مانند یک فرقه هستند و اعضا باید وفاداری خود را تمهید کنند. سازمان در انتخاب همسر افراد هم مداخله می‌کند و اگر همسر نامناسب تشخیص داده شود، آنها را وادار به طلاق می‌کند و اگر حتی از گروه جدا شوند، تحت فشار قرار خواهند گرفت. اینها مواردی هستند که وزارت خارجه آمریکا آنها را در سندی آورده است.

این نشریه آلمانی با اشاره به ناپدید شدن «مسعود رجوی»، سرکرده گروهک تروریستی منافقین از سال ۲۰۰۳، نوشت: «از آن زمان تاکنون،

«مریم رجوی» رهبر ایدئولوژیک این گروه شده است. وی در مصاحبه‌هایی که داشته، همواره گفته است که تهدیدهای هسته‌ای و تروریستی ایران باید از بین بروند و به این منظور باید دولت ایران تغییر کند. به نظر می‌رسد که بولتون به حرف‌های مریم رجوی گوش می‌دهد و لفاظی‌های او با حرف‌های مریم رجوی شباهت زیادی دارد. در ایران این گروه به عنوان دشمن و تروریست تلقی می‌شوند و

**سازمان در انتخاب همسر
افراد هم مداخله می‌کند و اگر
همسر نامناسب تشخیص داده
شود، آنها را وادار به طلاق
می‌کند و اگر حتی از گروه جدا
شوند، تحت فشار قرار
خواهند گرفت.**

در اروپا و آمریکا هم تا چند سال پیش در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار داشتند».

اشپیگل نوشت که در سالهای اخیر مجاهدین خلق تلاش کرده‌اند که تصویری که وجود دارد را از گروه نظامی به یک جنبش دموکراتیک تغییر دهند و اروپا و آمریکا هم نام آن را از گروه تروریستی خارج کرده‌اند اما هدف این گروه تغییر نکرده است.



خانواده اسیران، خاری در چشم و استخوانی در گلوی رجوی



فرقه تروریستی رجوی در برخورد با خانواده ها، از شعارهای مردم گرایی مبتذل و ادعای جذب و پذیرش خانواده ها گرفته تا اخاذی و اهانت و ضرب و جرح آنان در اطراف پادگان اشرف و لیبرتی با تمام و کمال خصلت و خصوصیت فرقه ای و منافقی خود را به اثبات رساند.

بارزترین خصیصه فرقه ها مبارزه با عواطف و احساس می باشد. خانواده که کانونی ترین نماد جاذبه، عشق و احساس است اصلی ترین دشمن فرقه ها محسوب می شود. انقلاب موسوم به ایدئولوژیک مجاهدین به منظور کشتن عشق و عواطف خانوادگی و نهادینه کردن کیش شخصیت و آئین سکت رجوی در قلوب اعضا شکل گرفت تا به قول خودش عشق به مریم را به جای خانواده در دل و ضمیر اعضا بنشاند. رجوی با این ترفند و شگرد حتی داشتن عکس خانواده ها و یا حتی مرور خاطرات آن ها و بیان خوابی از آن ها را بر اعضا حرام و مرز سرخ اعلام کرد، این چنین بود که این مقدس ترین ارزش و نماد انسانی و اخلاقی از جانب این جرثومه فساد و تباهی کانون فساد لقب گرفت. ولی علی رغم تمام این تلاش های بیهوده رجوی، کابوس خانواده ها لحظه ای او را به حال خود نخواهد گذاشت تا در کالبد عزیزانشان بار دیگر بذر عشق، امید و محبت بکارند و با صدای رسا به رجوی بگویند تلاش بی وقفه آن ها تا آزادی تمامی اسیران دربند همچنان باقی است.

اما فرقه رجوی باید بداند که خانواده ها از فرزندانسان نخواهند گذشت و خوب می داند عاطفه خانوادگی قوی تر از کنترل تحمیلی است که او بر اعضایش اعمال می کند و چنانچه ارتباط خانواده با فردی برقرار شود احتمال قوی وجود دارد که عضو مربوطه آن ها را ترک کند. اگر همین ارتباط عاطفه و احساس خانوادگی نبود، خانواده ها را به دنبال فرزندانسان نمی کشاند و قلعه اشرف، پایگاه استراتژیک رجوی که حاصل سی



سال زحمت اسرای دربندش بود، همچنان دست نخورده باقی می ماند و رجوی و ایادی اش به ظلم و ستم و جنایات خود علیه اسرای دربندشان ادامه می دادند. او خوب می داند که خانواده ها او را تا آزادی فرزندان خویش رها نخواهند کرد و در این مسیر سخت به دستاوردهای بزرگی همچون فروپاشی اشرف و لیبرتی و فرار ذلت بار از عراق دست یافته اند. فرقه به خوبی می داند که بعد از فروپاشی قلعه اشرف و لیبرتی حالا نوبت آلبانیست و خانواده ها فرزندانشان را به امید رجوی خائن رها نخواهند کرد حتی اگر شده میلیون ها تومان خرج کنند به آلبانی هم خواهند رفت و آرامش و آسایش را از آن ها خواهند گرفت و او از همین ترس مبادرت به ایجاد اشرف سه کرده تا بیشتر آن ها را در حصار فیزیکی و فکری خویش اسیر داشته باشد.

از طرفی خانواده ها خود تجربه کرده اند که نهادها و سازمان های بین المللی و جهانی که همگی در خدمت



استکبار جهانی است، نمی تواند گره از مشکل آن ها باز کند و فرزندان آن ها را از چنگال این انسان های حیوان صفت و وحشی نجات دهد. این مسأله تنها و تنها همت خانواده ها را می طلبد خانواده ها با همت و تلاشی که دارند تیشه را به ریشه این فرقه زده و تا نابودی کامل آن ها از پای نخواهند نشست زیرا آن رشته ای را که خداوند بین اعضای یک خانواده قرار داده و جنس آن هم از محبت و احساس و عاطفه الهیست را کسی جز خدای بزرگ نمی تواند از هم بگسلد.

اینک خانواده ها با ادامه حرکت غرور آفرین خویش که موجبات اضمحلال فرقه و جدایی بیش از پیش اعضا را موجب شده به خاری در چشم و استخوانی در گلوی فرقه تبدیل شده اند و تا رسیدن به سر منزل مقصود، که همان رهایی اسیران و نابودی فرقه است از پای نخواهند شست و یقیناً مزد زحمات خویش را با فروپاشی و نابودی رجوی و ایادیش خواهند گرفت.

درد و رنج خانواده محمدی



متأسفانه برخی معادلات بین المللی و منافع دشمنان ایران که همیشه به کمک این فرقه وطن فروش و خائن می آیند مانع موفقیت آنان شده است.

محمدی ها چه در عراق، چه در پاریس و چه اکنون در تیرانا بارها مورد هجوم چماقداران رجوی قرار گرفته و به شدت مضروب شده اند. آنان مدام در رسانه های فرقه رجوی آماج تهاجمات روانی، لفظی و انواع افترا بوده اند. حتی جگرگوشه شان را وادار کرده اند تا علیه خانواده خود در رسانه های فرقه دست به توهین و تهمت بزنند. محمدی ها بارها و بارها برای دخترشان نامه نوشتند و پیام دادند و بارها و بارها خواهان صرفاً یک دیدار کوتاه به صورت خصوصی (که در

مصطفی محمدی و همسرش مجبویه و فرزندان شان مرتضی، محمد و حوریه به دنبال دیدار با سمیه محمدی (اسیر در چنگال فرقه مخرب رجوی) می باشند. دختر این خانواده در سن ۱۶ سالگی با فریب از کانادا به عراق برای دیداری کوتاه کشانده شد و اکنون بیش از دو دهه از آن زمان می گذرد.

فرقه تروریستی رجوی چه با یک دگردیسی عجیب و غریب از یک سازمان ضد امپریالیستی که افتخارش ترور مستشاران آمریکایی در دوران شاه بود به عمله جنگ طلبان آمریکایی و در خدمت دشمنان ایران و ایرانی بدل گشته است.

خانواده محمدی در طول این سال ها به دنبال نجات عزیزشان سمیه از فرقه رجوی بوده اند ولی



هر جای دنیا، حق هر زندانی است) شدند. رهبران فرقه رجوی رابطه شان با خانواده درست مانند رابطه جن با بسم الله است، از نام خانواده وحشت دارند و به خوبی می دانند که بیدار شدن عواطف انسانی باطل السحر جادوی مغزشویی است.

مصطفی محمدی از خانواده ای متوسط در شرق تهران به دنیا آمد و دوران نوجوانی و جوانی را در تهران سپری کرد. در تهران تشکیل خانواده داد و اکنون نزدیک به سه دهه است که با خانواده اش در زمانی که محمدی هنوز هوادار سازمان بود با سفر دو هفته ای سمیه و سپس محمد (هر دو زیر

در کشور کانادا پناهندگی سیاسی دارد و زندگی می کند. او در سال ۱۳۵۰ توسط جلال گنجه ای با سازمان مجاهدین خلق آشنا شد و تا سال ۱۳۸۲ هوادار این سازمان بود. او در همین سال برای نجات دخترش سمیه و پسرش محمد که در پادگان اشرف در عراق اسیر فرقه رجوی بودند، دستور سران فرقه را قبول کرد (به خاطر اعتراض به دستگیری مریم رجوی در پاریس) که خود را به آتش بکشد.

ستمی که بر خانواده محمدی وارد شده است مصداق بارز نقض اساسی ترین حقوق انسانی است. عملاً دختری از خانواده اش ربوده شده و به اسارت برده شده است. سمیه ها در فرقه رجوی (در گذشته در محیطی محصور در عراق بود و اینک به محیطی محصور در آلبانی منتقل شده است) بسیارند و درد و رنجی که خانواده ها، این قربانیان فراموش شده، می کشند در وصف نمی گنجد.

خانواده محمدی و خصوصاً خود مصطفی این سالیان به هر دری برای ارتباط با دخترشان زدند. محمدی حتی سه سال قبل موفق شد در همین رابطه با مشاور ارشد رئیس جمهور فرانسه در کاخ الیزه ملاقات کند تا شاید فشار سیاسی بر فرقه رجوی که مقر رهبر آن مریم رجوی در پاریس است موجب شود تا او با دخترش دیدار داشته باشد اما تمام این کوشش ها با مانع بزرگی که همانا سازمان مجاهدین خلق باشد رو به رو شد. فرقه رجوی حاضر است هر بهای سیاسی را بپردازد اما اجازه دیدار اعضای خود با خانواده هایشان را (خصوصاً اگر عضو فرقه نباشند) ندهد.

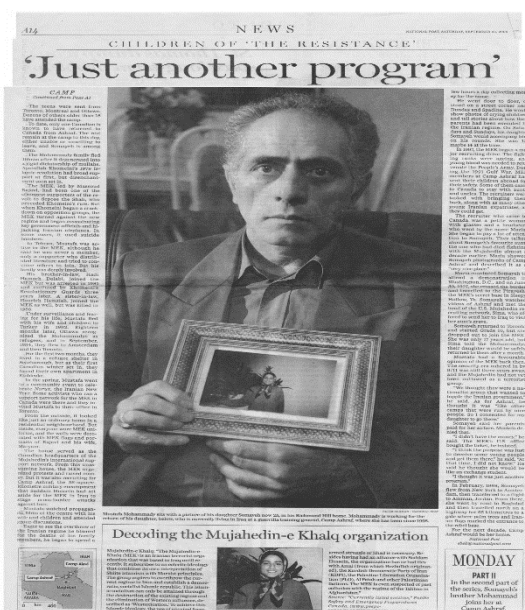
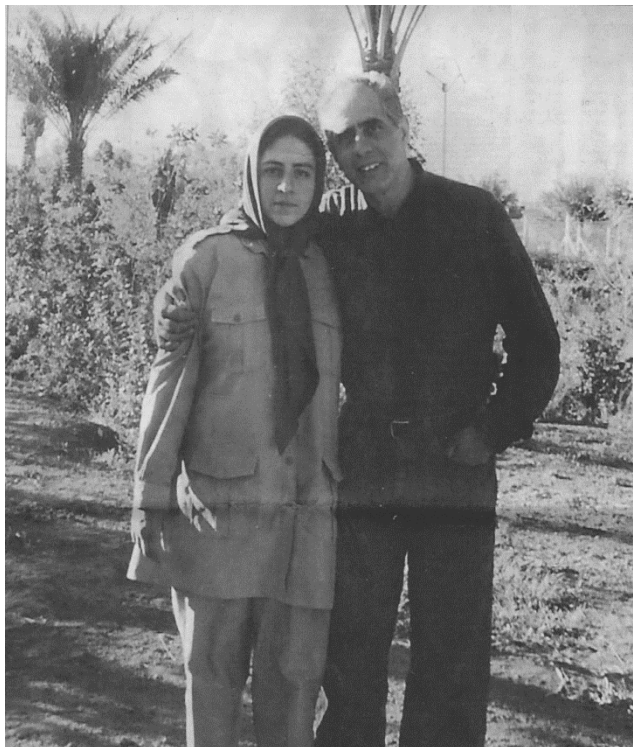
خانواده محمدی در طول این سال ها به دنبال نجات عزیزشان سمیه از فرقه رجوی بوده اند ولی متأسفانه برخی معادلات بین المللی و منافع دشمنان ایران که همیشه به کمک این فرقه وطن فروش و خائن می آیند مانع موفقیت آنان شده است.

سن قانونی بودند)، به عراق برای بازدید از پادگان اشرف موافقت کرد، اکنون دو هفته به بیش از دو دهه بدل گشته است. این ترفند بسیاری از فرقه هاست که به بهانه ای فرد را به درون خود می کشانند و سپس ارتباطات او با دنیای خارج را قطع کرده و وی را تحت مانیپولاسیون ذهنی و روانی قرار می دهند و تمام عواطف انسانی از جمله عواطف خانوادگی را در او می کشند و وی را به ربای تبدیل می نمایند که فرمان رهبری را بی چون و چرا به اجرا می گذارد.



دیده بی تفاوت بوده و حتی روز گذشته دو نفر را
مأمور کرد که آنان را مورد ضرب و شتم قرار دهند
که آن دو نفر در بازداشت پلیس به سر می برند و
مأموران فرقه رجوی یعنی بهزاد صفاری و احمد
طبا و فرید توتونچی در آلبانی سعی در آزاد نمودن
آنان دارند.

مصطفی و همسرش محبوبه اکنون در تیرانا
تلاش دارند تا بخت خود را بار دیگر آزمایش کنند
تا شاید بتوانند دیداری هرچند کوتاه با دخترشان
داشته باشند. آنان با بسیاری از رسانه ها مصاحبه
کرده اند. بارها به وزارت کشور و پلیس آلبانی و
نهادهای بین المللی مراجعه کرده اند اما فرقه
رجوی کاملاً نسبت به خواست این پدر و مادر رنج



سمیه محمدی





گروه تروریستی مجاهدین و پیوند با گروههای تروریستی

کرد



پشیمانی عربستان سعودی از پخش مستقیم کارناوال مریم رجوی
(گروهک تروریستی مجاهدین خلق) توسط شبکه ایران اینترنشنال



رژیم کودک کش صهیونیستی؛ محافظ شخصی باند رجوی



• ویلپنت، تفریح دوران باز نشستگی سیاستمداران غربی

نشست گفت فکر نمی‌کند که این دعوت انجام شده باشد.

این یعنی پایان بی نتیجه یک دوره طولانی از تلاش مجاهدین خلق برای جلب توجه آمریکا و داشتن رابطه اختصاصی با دولت ایالات متحده که لابی مجاهدین وعده آن را داده بود.

دقیقا از ۱۵ سال پیش مجاهدین تلاشی را آغاز کردند که از حصار اروپا خارج شوند و به خاک آمریکا نقل مکان کنند، حتی در دوران ریاست جمهوری اوپاما که اکنون از سوی مجاهدین به عنوان بزرگترین طرف مماشات با ایران معرفی می‌شود، این تلاش بی وقفه ادامه داشت، اما با آغاز ریاست جمهوری دونالد ترامپ و مواضع خصمانه وی علیه ایران، این تلاش با امید جدی و تحقق رؤیای سفر رجوی به آمریکا همراه شد، اما دولت ترامپ در چند مرحله و این بار نیز به طور مشخص از رودرو قرار گرفتن با نماینده مجاهدین امتناع ورزیده است .

نشست ۲۲ ژوئیه وزیر امور خارجه آمریکا با ایرانیان مقیم آمریکا، یک ناکامی برای دولت ترامپ و سیاستهایش در باره ایران و به طریق اولی یک شکست برای گروه

چگک تروریستی مجاهدین خلق است. این ناکامی به دستور کار این جلسه و نیز ترکیب شرکت کنندگان در آن مربوط می‌شود، اگرچه در ترکیب مدعوین این جلسه نایاک نیز غایب است، اما بخش اعظمی از شرکت کنندگان در این جلسه مخالفان سیاستهای دولت ترامپ در باره ایران هستند

ایران دیدبان

قرار است مایک پومپئو وزیر امور خارجه آمریکا روز ۳۱ تیرماه (۲۲ ژوئیه) در کتابخانه ریگان در جمع آمریکایی‌های ایرانی‌تبار در کالیفرنیا سخنرانی کند.

یک مقام وزارت خارجه آمریکا که نخواست نامش فاش شود درباره دعوت از مجاهدین خلق به این



یک رویداد مهم دیگر که ممانعت آمریکا از حضور نماینده مجاهدین خلق در جلسه ۲۲ ژوئیه را قابل پیش‌بینی می‌ساخت، حضور نیافتن جان بولتون در تجمع مجاهدین در پاریس بود، شخصیتی که سال گذشته در این تجمع شرکت داشت، اما پس از این که به یک مقام رسمی در دولت ترامپ منصوب شد، از شرکت در آن منع شد و در اولین اظهارات پس از انتصاب به مقام مشاور امنیت ملی آمریکا، مواضع سال گذشته خود در تجمع مجاهدین را تعدیل نمود و آن را یک نظر شخصی دانست.

در حالی که ظاهر امر برای چنین جهت‌گیری‌ای وضعیتی بود که مجاهدین در عراق بدان گرفتار بودند، اما واقعیتی که مجاهدین قصد پنهان کردن آن را دارند آن است که آنان اروپا را مکان مناسبی برای استقرار نمی‌دانند* و به ویژه آنکه رهبری مجاهدین در آن احساس امنیت نمی‌کنند. کما این که باندرجوی کشور آلبانی را نه تنها ایده آل نمی‌دانند بلکه آن را نیز همراه با مخاطراتی می‌دانند که فقط از سر ناچاری آن را تحمل می‌کنند و در تلاش برای یافتن گریزگاهی از آن هستند.

علاوه بر این، نشست ۲۲ ژوئیه وزیر امور خارجه آمریکا با ایرانیان مقیم آمریکا، یک ناکامی برای دولت ترامپ و سیاستهایش در باره ایران و به طریق اولی یک شکست برای مجاهدین خلق است. این ناکامی به دستور کار این جلسه و نیز ترکیب شرکت کنندگان در آن مربوط می‌شود، اگرچه در ترکیب مدعوین این جلسه نایاک نیز غایب است، اما بخش اعظمی از شرکت کنندگان در این جلسه مخالفان سیاستهای دولت ترامپ در

باره ایران هستند، به ویژه کسانی که با محدودیت مسافرت ایرانیان به آمریکا و اعمال تحریم‌های بیشتر علیه مردم ایران معترضند و بخصوص جامعه ای که برخلاف مجاهدین با خروج ترامپ از برجام مخالف بوده و حتی برخی از آنان به رغم دعوت از جانب وزارت خارجه آمریکا، این جلسه را به دلیل همین سیاستها تحریم کردند، طرفه آن که به رغم سکوت باند رجوی در این باره، رضاپهلوی از برگزاری این نشست حمایت کرده است.

این ترکیب حاکی از آن است که حتی نماینده مجاهدین در آمریکا نیز - بر فرض دعوت دولت وزارت خارجه - به این نشست نخواهد رفت، چرا که نفس حضور وی به دلیل جهت‌گیری جنگ طلبانه این گروه انتقادات ایرانیان نسبت به مواضع ترامپ را افزایش خواهد داد

بنابراین بایستی گفت دقیقاً برخلاف توهم مجاهدین که سیاست ترامپ علیه ایران را فرصت مناسب و مغتنمی دانستند تا توسط مریم رجوی خود را رسماً به عنوان آلترناتیو جمهوری اسلامی به آمریکا عرضه دارند، دیوار بی اعتمادی آمریکا به این فرقه چپ‌گرا با سابقه تروریستی، مبتنی بر دیدگاه اکثریت قاطع ایرانیان آمریکا همچنان مرتفع و قطور است.

*** به دلایل مختلفی رابطه مجاهدین با اروپا غبارآلود شده است که بررسی آن مجال جداگانه می‌طلبد و به زودی در باره آن مطلبی در همین بخش درج خواهد شد.**

سیاستمدارانی که خود را می فروشند



• جان بولتون به جای هربرت مک مستر رئیس شورای امنیت ملی آمریکا می شود

• روزنامه لوفیگارو: مجاهدین جایگاهی میان مردم ایران ندارند

سازمان را یک فرقه می دانند و مریم رجوی رهبر این گروه هنوز اجازه ورود به انگلستان را ندارد. میدل ایست آی در مصاحبه با ماهان عابدین تحلیلگر مسائل ایران نوشت: اگر پارلمانترهای انگلستان با هدف تغییر در ایران یا حمایت از متعرضان ایرانی از آن ها حمایت می کنند که راه درستی را انتخاب نکرده اند چراکه این گروه هیچ جاذبه ای ندارد و مورد نفرت جهانی است. یکی از دلایل تنفر از این گروه خاطراتی است که از دیرباز باقی مانده است. آنها در جنگ ایران و عراق به طرز وقیحانه ای در طرف عراق قرار گرفتند.

بر اساس اسناد منتشر شده، پرکینز نماینده چسترفیلد مبلغ ۸۰۰ پوند از مجاهدین خلق و دیوید آمس و باب بلکمن هزینه های سفر خود را از کانون حقوق بشر و دموکراسی وله دریافت کردند. ویلیرز و آمس در سخنرانی خود در این گردهمایی از ضرورت حمایت از رجوی و حقوق بشر و دموکراسی گفتند.

اسناد منتشر شده از پارلمان انگلیس نشان می دهد که توبی پرکینز نماینده حزب کارگر پارلمان انگلیس مبلغ ۸۰۰ پوند از شورای ملی مقاومت ایران با هدف شرکت در یک «همایش حقوق بشری» دریافت کرده است.

ایران دیدبان

پایگاه خبری تحلیلی میدل ایست آی به نقل از اسناد پارلمان انگلیس نوشت: برخی از نمایندگان پارلمان انگلیس در گردهمایی یک گروه جنجالی شرکت کردند که تا سال ۲۰۰۸ در لیست سازمان های تروریستی دولت انگلستان بوده است.

نمایندگان محافظه کار دیوید آمس، باب بلکمن، ترزا ویلیرز، متیو آفرود و توبی پرکینز از حزب کارگر در میان هیئت انگلیس حاضر در گردهمایی شورای ملی مقاومت ایران در پاریس در اول ژوئیه بودند. بسیاری از کارشناسان و اعضای سابق مجاهدین خلق، این



شناسایی جادشداگان توسط مریم در آلبانی

به شما داده است. شما اسامی تان را بدهید تا ما این موضوع را با بالاترین سطوح مجاهدین مطرح می کنیم که این اشخاص طبق این کارت در معرض تهدید و خطر قرار داشتند. «دفتر کمیساریا افزود:» این مسئله از سوی مقامات بالا در ژنو پیگیری می شود. این یک پیروزی برای جدا شدگان بر علیه رئیس جمهور برگزیده مقاومت (کین رجوی) در برابر جدا شدگان است.

هدف رجوی این است که راه جدا شدن اعضا از سازمان را بگیرد و راه پناهندگی آنها و جدا شدگان را بسوزاند، همچنانکه پیش از این نیز رجوی در سال ۱۳۷۵ در اشرف، تمامی پاسپورت و

مسعود رجوی در نیمه دوم اسفند ۹۶ طی یک پیامی به اعضای سازمان در آلبانی گفت: «کمیساریا دشمن است و آنها را نباید از رژیم و عراق (مالکی) و کوبلر (یونامی) و دوران جدا دانست شما باید با کمیساریا مرزبندی داشته باشید مثل مرزبندی با رژیم و هتل مهاجر در عراق!»

سیامک نادری

در تأسیس اشرف در حصار ۳ و عضویت بازگشت ناپذیر آذرماه سال ۹۶ با اقتباس از «مزرعه حیوانات»، مریم و مسعود رجوی به اقدام نامشروع و غیرقانونی دیگری دست یازیده است و کارت پروتکت (کارتی که امریکا به اعضای سازمان داد و در چهارچوب کنوانسیون ۳ ژنو و افراد غیرنظامی که در شرایط جنگی تحت تهدید و خطر شناخته شده اند) و همچنین برگه کد و شماره شناسایی آنها بعنوان پناهجو توسط کمیساریا است را تحویل افراد نمی دهند. چنین امری بعنوان سرقت

اسناد و مدارک اشخاص محسوب و عمل مجرمانه ایی می شود.

دفتر کمیساریا در تیرانا در پی مراجعه تعدادی از اعضای جدا شده سازمان مجاهدین، بدلائیل سیاسی نمی خواست وارد این موضوع بشود، اما بناگزیر وارد شده و اسامی افرادی که کارت پروتکت و برگه کد کمیساریا توسط سازمان به سرقت برده شده را نوشته و النهایه گفته است: «این یک کارت «شخصی» است که ارتش امریکا



مدارک قانونی کمیساریا و... بعنوان پناهنده و... اقامت قانونی آنها در اروپا و امریکا و آسیا را با مصادره کرده، و هرگز این مدارک را به افراد پس نداد. همچنانکه افراد و اعضا بهنگام ورود به عراق و اشرف، در فرودگاه عراق پاسپورت آنها مهر نمی خورد، تا طبق همین ترفند رجوی، ورود آنها غیرقانونی شده و در صورت خروج از اشرف و عراق می بایست بمدت ۸ سال طبق قوانین عراق و ورود غیرقانونی به زندان های عراق بروند.

آلبانی

الفاظی های
جان بولتون
با حرف
های
سرکرده
منافقین
شبهات
بسیار دارد



این نه اولین و نه آخرین اقدامات رئیس جمهور تبهکار رجوی است. پیش از این نیز گزارشی از اعمال غیرقانونی و جنایتکارانه مریم رجوی در پدیده قاچاق انسان به اشرف ارائه دادم. و در آینده لیست بیش از ۴۰۰ نفر قاچاق انسان توسط مسعود و رئیس جمهور برگزیده مادام العمر رهبری عقیدتی و بیش از ۲۰۰ عکس از افراد قاچاق شده ارائه خواهم داد. این اسامی و عکسها قابل ارائه در مجامع حقوق بشری و هر دادگاهی، بغیر از زندان و بیدادگاههای رجوی می باشد.

سه ماه پیش هنگامی که کمیساریا پذیرفت به افراد جداشده هزینه ماهانه بپردازند تا سازمان آنها را زیرقلاّده های مالی خُرد نکرده و به اسارت مجدّد نگیرد!

مسعود رجوی درنیمه دوم اسفند ۹۶ طی یک پیامی به اعضای سازمان درآلبانی گفت: «کمیساریا دشمن است و آنها را نباید از رژیم و عراق (مالکی) و کوبلر (یونامی) و دورانی جدا دانست شما باید با کمساریا مرزبندی داشته باشید مثل مرزبندی با رژیم و هتل مهاجر در عراق! مسعود دورانی کارمند و بازرس یونامی در کمپ لیبرتی که سازمان او را مزدور رژیم معرفی کرد. «مسعود رجوی در آذرماه سال ۹۱ در لیبرتی نیز گفته بود: «ما بایک چهارضلعی در لیبرتی مواجه هستیم که دشمن ما هستند: رژیم - عراق - امریکا و کمیساریا و یونامی و صلیب سرخ، اماّ مجبور هستیم که با کمیساریا تا جایی که بشود همکاری کنیم وگرنه برعلیه خودمان تمام می شود».

زهرامریخی نیز بلافاصله پس از پیام رجوی در ۲۰ اسفند ۹۶ در نشست خود با اعضای سازمان، از اقدام کمیساریا و پرداخت هزینه مالی به جداشدگان بشدّت عصبانی بوده و با نفرت و غیض گفته است: «این کمیساریای بی شرف... به آنه پول می دهد...» سخنان رجوی و زهرامریخی به مسئولین دفتر کمیساریا در آلبانی منتقل شده و آنها در جریان این فحاشی و یاوه گویی ها هستند.

پیش از این نیز در سال ۹۶ وقتی من به کمیساریا اطلاع دادم که مهدی ابریشم چی و جواد خراسان مسئول ارتباط با جدا شدگان و کمیساریا، درباره کمیساریا گفته است که: «کمیساریای آلبانی دست ما است و هر کاری ما بخواهیم انجام میدهد!» آنها برآشفتنند وحتّی آقای تونی و آقای اد میر از چنین وقاحتی عصبانی بودند و گفتند اجازه ندارند که چنی توهینی بکنند و جواب آنها را خواهند داد."

همچنانکه پیش از این هم گفتم که کمیساریا در تیرانا از وجود زندان و قرنطینه (سلول انفرادی) بمدت یک ماه برای کسانی که می خواهند از سازمان جدا شوند وجود دارد و برای آنها نشست جمعی می گذارند و با تهمت و فحاشی و... دست به ارعاب برای ممانعت از جدا شدن سایر اعضا می زنند.

اطلاع رسانی پاشنه آشیل سیستم های توتالیتاریسم، زندان و غار ایدئولوژیک و تبدیل آن به «مزرعه حیوانات» در قرن بیست ویکم است.

پایگاه اینترنتی روزنامه 'لوفیگارو' روز شنبه در گزارشی درباره اعتراض های اخیر، گروه های اپوزیسیون خارج نشین از جمله گروهک تروریستی مجاهدین را فاقد جایگاه مردمی در ایران دانست.

در این گزارش آمده است: کارشناسان و تحلیلگران سیاسی بر این باورند که سازمان اپوزیسیون خارج نشین که ایران از آن به عنوان گروه تروریستی یاد می کند، از هیچ حمایت مردمی در ایران برخوردار نیست.

این نوشته با اشاره به 'اخراج مجاهدین در پی اقدامات تروریستی و ترور رئیس جمهوری ایران در سال ۱۹۸۱ و استقرار آنان در منطقه 'اوور-سور- آواز' در حومه پاریس می نویسد: در فرانسه این گروه مورد حمایت برخی نماینده ها، سناتورها و وزرای سابق هستند. هر ساله آنها در پاریس یک 'مگاشو (Mega Show) برگزار می کنند که در آنها بسیاری از آمریکایی های مرتبط با سازمان نیز در آن شرکت می کنند.

در سال ۲۰۱۶ و برای اولین بار شاهزاده ترکی الفیصل رئیس سابق سرویس های اطلاعات عربستان در تجمع آنها شرکت و از آنها حمایت کرد.

یک دیپلمات فرانسوی که مدت ها پرونده ایران را دنبال کرده است در این باره گفت: 'سخنرانان آمریکایی و فرانسوی برای سخنرانی در مراسم های سازمان به ترتیب ۲۵ هزار و ۱۲ هزار و ۵۰۰ دلار دریافت می کنند.'

سیاسی

می شود که آیا امانوئل
فرانسه علیه این سازمان
اقدامی خواهد کرد؟

می گویند: 'ما با آنها
جمهوری مکرون در گفت
گذشته با همتای ایرانی
فرانسه این موضوع را

یک دیپلمات فرانسوی که مدت ها
پرونده ایران را دنبال کرده است
در این باره گفت: 'سخنرانان
آمریکایی و فرانسوی برای
سخنرانی در مراسم سازمان به
ترتیب ۲۵ هزار و ۱۲ هزار و ۵۰۰
دلار دریافت می کنند.'

اکنون این پرسش مطرح
مکرون رئیس جمهوری
(گروهک مجاهدین)
مقامات الیزه در این باره
دیالوگی نداریم و رئیس
وگوی تلفنی هفته
اش به وی گفته است که
بررسی می کند.'

حسن روحانی رئیس جمهوری ایران هفته گذشته در گفتگوی تلفنی با امانوئل مکرون خواستار واکنش فرانسه علیه "گروهک تروریستی مجاهدین خلق" شده بود.

حقوق بشر کجاست؟



ما دو مادر هستیم...

زمانی که فرقه رجوی در عراق بود با وجود مشکل جسمی، با هم به عراق سفر می کردیم. هدف ما دیدار با فرزندانمان بود. فرزندان ربوده شده توسط رجوی ظالم! چندین سال است رجوی و سران کلاه بردارش ما را داغدار کرده اند، ملاقات با فرزندانمان را منع کرده اند. ما جنگی با رجوی و سرانش نداشتیم، رجوی ما را مجبور به جنگ کرد! رجوی فکر می کند فرزندان ما از زیر بوته به عمل آمده اند و صاحبی ندارند. در رؤیای خودش فکر می کند صاحب اصلی فرزندان ما خود اوست. حقوق بشر چه جایگاهی در این دنیا دارد؟!

تا به حال چندین نامه برای حقوق بشر ارسال کرده ایم. وضعیت خود و فرزندانمان در فرقه رجوی را تشریح کرده ایم ولی متأسفانه جوابی به ما نداده اند. ما از حقوق بشر دل چرکین هستیم! مگر حقوق بشر نمی بیند رجوی و سرانش با فرزندان ما چه کار می کنند؟ چرا دست روی دست گذاشته و کاری نمی کند؟ چرا جوابی به ما نمی دهد چرا به درد دل ما گوش نمی کند؟ ما برای سازمان حقوق بشر متأسفیم که نام خودش را گذاشته حقوق بشر .. حقوق بشری که می بیند ما مادران از دست فرقه رجوی چه می کشیم و از فرقه تروریستی رجوی حمایت می کند نبودنش بهتر از بودنش است. اگر رجوی و سرانش فکر کردند ما دست از سر آن ها بر می داریم کور خوانده اند ما آخر ایستاده ایم و تا آزادی فرزندانمان از پا نخواهیم نشست. نابودی رجوی و سرانش را در آینده نزدیک به چشم می بینیم. به امید آن روز.

خانم مهین حبیبی - مادر پروانه ربیعی عباسی

خانم منتهی زهرایی - مادر مصطفی قاعدی

همه ایرانیان مجاهدین را خصم خود می‌دانند



سیاسی

حمایت از سازمان تروریستی که به طور گسترده از سوی ایرانیان «خیانتکار» در نظر گرفته شده، مشاهده گشت.

این اندیشکده نوشت: مجاهدین و حکومت جدید مدت کوتاهی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۷۹ میلادی به شدت باهم درگیر شدند و در نتیجه مجاهدین بیشتر فعالیت‌های خود را به عراق انتقال داده و با رژیم «صدام حسین» رئیس جمهور وقت عراق هماهنگ شدند.

اعضای این گروه در دهه ۸۰ میلادی در دوران جنگ ایران و عراق حتی در چندین عملیات ارتش عراق علیه ایران شرکت کردند. این کار موجب شد تا حمایت کمی از آن‌ها در ایران صورت گیرد زیرا بسیاری از ایرانیان آن‌ها را خائن برشمردند. بنابر ادعای اندیشکده صهیونیستی مزبور، در سال‌های اخیر نیز هیچ مدرکی مبنی بر دخالت این سازمان در امور خرابکارانه وجود نداشته اما در

اندیشکده موشه دایان نوشت: مردم ایران رفتار مجاهدین پس از پیروزی انقلاب را مجموعه «خیانت‌هایی» می‌دانند که با حمایت از صدام حسین اوج گرفت و خاطره تلخ همراهی آن‌ها با دشمن وطنشان همچنان در اذهان باقی مانده است.

اندیشکده «موشه دایان» در تحلیلی پیرامون گروه مجاهدین و نفرت میلیون‌ها ایرانی از اعضای آن نوشت: شورای مقاومت ملی وابسته به مجاهدین اوایل ماه جولای نشست سالانه خود را در حومه پاریس برگزار کرد.

برگزاری این نشست واکنش‌های تند و انتقاد عمومی را در شبکه‌های اجتماعی ایران به همراه داشت و حضور نمایندگان عربستان و آمریکا در نشست یادشده این خشم را تشدید کرد و به عنوان مدرکی از تلاش‌های عربستان و آمریکا برای تحریک دگرگونی‌های سیاسی در ایران از طریق

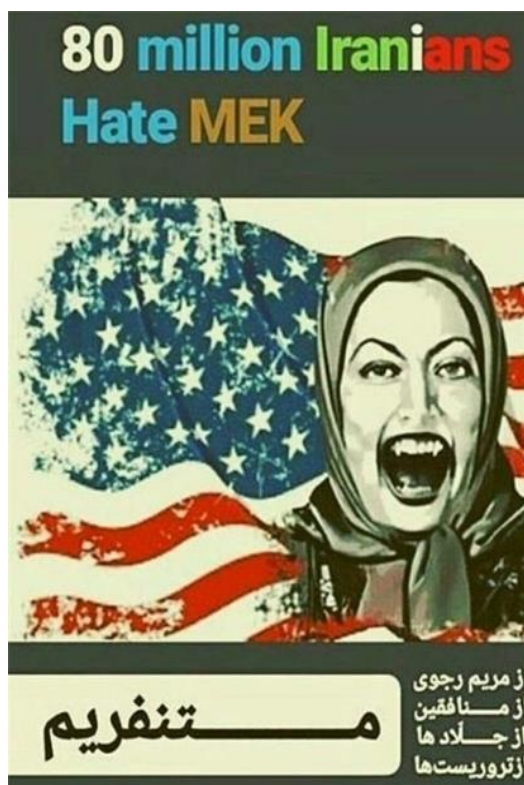


عوض این سازمان فعالیت خود را به طور عمده بر فعالیت سیاسی در اروپا و آمریکا برای تغییر نظام ایران هماهنگ کرده است. با این حال، منتقدان معتقدند این فعالیت سیاسی فقط نمایشی است.

«خائنان میهن» و «خیانتکار» نامیدند که با همکاری با رژیم بعث به شهروندان ایران در تابستان سال ۱۹۸۷ حمله شیمیایی کردند. بسیاری از کاربران ایرانی تاکید کردند که مردم ایران این ائتلاف نادرست تاریخی را فراموش نکرده و آن‌ها را نمی‌بخشند. کاربران ایرانی با بیان تنفر نسبت به این گروه به طرفداران آن‌ها در غرب و عربستان سعودی نیز حمله کردند. بسیاری از کاربران مجاهدین را با داعش قیاس کردند. منتقدان عنوان می‌کردند در حالی که کشورهای غربی مدعی دفاع از دموکراسی و حقوق بشر علیه تروریسم هستند، آن‌ها یک سازمان تروریستی که مسئول مرگ هزاران غیرنظامی بیگناه بوده را حفظ کرده‌اند.

بر این اساس، واکنش‌های خشمگینانه نسبت به برگزاری نشست مجاهدین در پاریس نشان از شدت خصومت نسبت به آن‌ها در شهروندان ایرانی، حتی منتقدان نظام دارد.

اکثریت مردم ایران رفتار این گروه پس از پیروزی انقلاب اسلامی را مجموعه خیانت‌هایی می‌نگرند که با حمایت از صدام حسین اوج گرفت و بسان خاطره‌ای تلخ در اذهان ایرانیان باقی مانده است. در خاتمه این مطلب آمده است: ایرانیان هرگونه حمایت از مجاهدین را به عنوان یک جرم غیر قانونی علیه غرور ملی در نظر می‌گیرند.



در ادامه این مطلب با اشاره به برگزاری نشست مجاهدین و حضور «مریم رجوی» سرکرده این گروه در پاریس و حضور برخی از سیاستمداران آمریکایی چون «جان بولتون» سفیر پیشین آمریکا در سازمان ملل متحد، سناتور «جرج لیبرمن» و «رودی جولیان» شهردار سابق نیویورک و واکنش شدید مقام‌های دولت ایران و کاربران شبکه اجتماعی آمده است: همانطور که پیش بینی می‌شد انتقاد اصلی بر این سازمان بابت هماهنگی آن‌ها با رژیم وقت عراق در جنگ علیه ایران بود. کاربران ایرانی اعضای این سازمان را



شورای ملی مقاومت ارگان پوششی مجاهدین خلق



نمی خورد و کسی نیست که به شکست این پروژه اذعان نداشته باشد. هر کدام از آن ها در مقاطعی و به دلایلی از شورا استعفا یا به زعم رجوی اخراج شده اند. بنی صدر با گسترش روابط مجاهدین خلق و دولت عراق مخالف بود و در ۴ فروردین ۱۳۶۲ رسماً جدایی اش را اعلام کرد.

ملاقات پنهانی با طارق عزیز وزیر امور خارجه و معاون رئیس جمهور عراق بدون اطلاع شورا، قدرت طلبی و تلاش های رجوی برای تسلط کامل و دائمی بر شورا باعث شروع اعتراضات اعضای شورا گردید و چنین شد که در ابتدا "حزب دموکرات کردستان" و بعد شخصیت های پیوسته به شورا جدایی خود را اعلام نمودند.

جدا شدن دکتر ابوالحسن بنی صدر، دکتر منصور بیات، دکتر ممکن، دکتر علیرضا نوری، مهدی خان بابا تهرانی، بابک امیر خسروی، دکتر متین دفتری و همسرش مریم متین دفتری و جبهه دموکراتیک ملی، دکتر محمد رضا روحانی، دکتر کریم قصیم، و بیش از ۳۰ تن دیگر که روزی اعتبار شورا را تضمین می کردند و از افراد وزنه

مجموع وقایع و رویدادهای سیاسی که در فاصله بهمن ۱۳۵۷ تا خرداد ۱۳۶۰ در جامعه ایران شکل گرفت، زمینه های تشکیل "شورای ملی مقاومت" توسط مسعود رجوی با یاری ابوالحسن بنی صدر در ۳۰ تیرماه ۱۳۶۰ را موجب شد. این طرح ابتدا در دستور کار مجاهدین خلق قرار داشت که با فریب بنی صدر به عنوان فرد پوششی برای تشکیل شورا جامعه عمل پوشید.

شورای ملی مقاومت در سال ۱۹۸۱ توسط مسعود رجوی و با کمک ابوالحسن بنی صدر پایه گذاری شد. در ابتدا، بسیاری از سازمان ها، احزاب و اشخاص از آن استقبال کردند. بنی صدر، اولین رئیس جمهور ایران بعد از انقلاب و حزب دموکرات کردستان ایران دو ستون اصلی شورای ملی مقاومت بعد از مجاهدین خلق محسوب می شدند و در ظاهر یک ائتلاف ملی را به نمایش گذاشته بودند.

تیرماه مصادف با سی و هفتمین سال تأسیس رسمی این تشکل است. در لیست موجود فعلی نام هیچ یک از اعضا و احزاب اولیه شورا به چشم



دار و با نفوذ بودند دلیلی بر فروپاشی و انحطاط شورای ضد دموکراتیک فرقه رجوی است.

رجوی در آن سال ها برای عضویت در شورا دو خط قرمز تعیین کرده بود؛ یکی نپذیرفتن وابستگان و حامیان نظام سلطنتی که آن ها را رقیب جدی خود می دانست و دیگر تردید نپذیری اصل سرنگونی رژیم با مشی مسلحانه. رجوی ظاهراً اصل مبارزه مسلحانه را برای خارج شدن از لیست های تروریستی کنار گذاشت اما هرگز از تفکرات فرقه اش بیرون نرفت.

مسعود رجوی در سه دهه گذشته شورا را هر چه بیشتر یک دست کرده و با اعمال غیر دموکراتیک خود باعث شد که افرادی که به نوعی ادعای مستقل بودن می کردند و یا حتی در درون

شورا به نوعی ساز مخالف سومی دادند و یا نظر منتقدانه ای داشتند از درون شورا حذف یا با برقراری مستمری برای افراد غیرمجاهد در درون شورا به نوعی آنان را سرسپرده و مجیزگوی سازمان مجاهدین خلق و در رأس آن مسعود و مریم رجوی کردند.

جدایی رسمی مشاور ارشد مریم رجوی در امور کشورهای عربی و اسلامی علامه سید محمد علی حسینی، روحانی برجسته شیعه، از فرقه و شورای کذایی اش و افشاگری وی علیه فرقه را چندی پیش شنیدیم.

مریم رجوی در سخنان ۱۴ سال گذشته، در هیچ مراسمی نامی از "سازمان مجاهدین خلق" بر زبان نیاورده و از شورای ملی مقاومت و در ادامه از "مقاومت" نام می برد که تنها نام مجاز برای فرقه رجوی است و به عبارتی نام مستعاری است برای این فرقه.

مریم با این شیوه به طور غیرمستقیم آگاهی رسانی می کند که دیگر جمعی به نام "شورای مقاومت" وجود خارجی ندارد زیرا اگر ادعای شورا کند مجبور است که نام تشکیل دهندگان شورا را اعلام کند لذا به بیان کلمه "مقاومت" اکتفا می

کند. به کاربردن کلمه "مقاومت" بیانگر پایان و انحلال کامل "سازمان مجاهدین خلق" و کنار رفتن مسعود رجوی در ظاهر است.

کارکرد شورای ملی مقاومت برای

شورای ملی مقاومت در سال ۱۹۸۱ توسط مسعود رجوی و با کمک ابوالحسن بنی صدر پایه گذاری شد. در ابتدا، تعدادی از سازمان ها، احزاب و اشخاص از آن استقبال کردند.

مسعود رجوی در حال حاضر یک ارگان پوششی بوده است که آن را یک ارگان فراگیر ملی معرفی کند که از اقشار و تفکرات مختلف تشکیل شده است و خود را به این شکل نماینده تمامی تفکرات موجود در ایران بداند. شورای ملی مقاومت امروزه صرفاً نامی برای استفاده در روابط بین المللی سازمان است و خاصیت دیگری ندارد. تمامی اعضای آن عضو یا هوادار مجاهدین خلق هستند و معدود افراد غیر مجاهد هم در واقع اسیر فرقه هستند چون جای دیگری ندارند.



اظهار نظرها از حضور شخصیت‌های نزدیک به ترامپ در میتینگ فرقه رجوی

گری سیک مشاور امنیت ملی آمریکا در دوران جیمی کارتر، در مصاحبه‌ای که با بی بی سی فارسی داشت در رابطه با حضور برخی از نزدیکان ترامپ در میتینگ مجاهدین در پاریس چنین گفت: ممکن است حضور برخی از شخصیت‌های نزدیک به ترامپ در میتینگ مجاهدین در پاریس چنین القاء کند که اولاً تهدیدهای ترامپ و ... نظام فعلی ایران را به مراحل انتهایی آن رسانده است و حضور چنین شخصیت‌هایی در مراسم‌های مجاهدین در ذهن متبادر کند که احیاناً دولت آمریکا از مجاهدین به عنوان نیروی جایگزین نظام فعلی حمایت و پشتیبانی می‌نماید

ولی هر کس چنین تفکری را داشته باشد باید گفت که اساساً هیچ شناختی از مسائل سیاسی ایران ندارد. زیرا نه نظام فعلی ایران در وضعیتی است که تصور شده است و نه مجاهدین آنند که در ذهن متبادر شده است. زیرا مجاهدین به دلیل حضور در خاک عراق خصوصاً در زمان جنگ ایران و عراق در میان مردم بسیار منفورند و هیچ پایگاه اجتماعی در داخل ایران ندارند.



باید بفهمند که این امر، نتیجه‌ای مشابه حمایت‌هایشان از حمله آمریکا به عراق در پی خواهد داشت. در ابتدای این یادداشت با اشاره به حمایت مشترک دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان

*نشریه «نشال اینترست» در یادداشتی به بررسی حمایت مقامات و مخصوصاً مطبوعات آمریکایی از اقدامات مخرب گروه مجاهدین علیه ایران پرداخته و نوشت رسانه‌های ایالات متحده



در کنگره آمریکا از گروه مجاهدین، آمده است که آنها سازمانی هستند که در اعلام نیت خود برای تغییر حکومت ایران تعلل نمی‌کنند.

نشنال اینترست در ادامه به نشست ماه گذشته این گروه در پاریس پرداخته و نوشت که در آن جلسه، ۳۳ مقام ارشد نظامی و سیاسی آمریکایی از جمله «رودی جولیان» وکیل رئیس‌جمهور و «بیل ریچاردسون» نماینده پیشین این کشور در سازمان ملل، حضور داشتند.

این نشریه با بیان اینکه بعد از سرنگونی دولت دیکتاتوری صدام در عراق، گروه مجاهدین جهت‌گیری خود را برای کسب حمایت آمریکا تغییر داد، ادامه داد: «آنها همچنین با دولت [باراک] اوباما لابی کردند تا از لیست گروه‌های تروریستی خارج شوند. امروزه این گروه به خبرپراکنی برای جذب حمایت برای تغییر حکومت ایران روی آورده است».

او با تشبیه این گروه به مخالفان صدام و اشاره به اینکه برخی از آن گروه‌ها ده‌ها میلیون دلار از آمریکا پول گرفته بودند، نوشته است پول مالیات‌دهندگان آمریکایی خرج سازمانی شد که اطلاعات نادرستی درباره تهدیدات دولت صدام منتشر می‌کرد.

این نشریه در ادامه نوشت: «نتیجه آن جنگی شد که جان ۴۴۰۰ آمریکایی را گرفته و تا کنون ۲ تریلیون دلار خرج روی دست دولت آمریکا گذاشته است. تخمین زده می‌شود این هزینه به ۶ تریلیون دلار نیز برسد.»

این یادداشت با اشاره به هزینه‌هایی که مقامات آمریکایی برای سخنرانی در همایش‌های گروه مجاهدین دریافت کرده‌اند، نوشته است: «(جان)

بولتون (مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهور آمریکا) مبلغ ۴۰ هزار دلار برای سخنرانی در سال ۲۰۱۷ دریافت کرد. گزارش‌های دیگر نشان می‌دهد که سخنرانان در نشست‌های مجاهدین مبلغی تا ۵۰ هزار دلار نیز دریافت می‌کنند».

بولتون در سخنرانی سال گذشته، برای مبلغی که دریافت کرده بود، چنین اظهاراتی را به زبان آورد: «تقابل مداومی با حکومت (ایران) وجود دارد و این مخالفان امروز در این سالن جمع شده‌اند... سیاست اعلامی ایالات متحده باید براندازی حکومت (فعلی) تهران باشد».

"یرواند ابراهیمیان" پروفیسور تاریخ و سیاست ایران در کالج باروخ در نیویورک، گروه مجاهدین را «یک فرقه سازمان‌یافته» مانند «مونی‌ها» در شبه‌جزیره کره توصیف کرده با این تفاوت که مونی‌ها تلاش نمی‌کنند از دولت آمریکا برای سرنگونی یک حکومت خارجی استفاده کنند. نشنال اینترست در پایان به رسانه‌های آمریکایی توصیه کرد که به دامن زدن به تلاش‌های مجاهدین برای جلب حمایت مقامات آمریکایی جهت اجرای اقداماتی برای براندازی نظام ایران پایان دهند و از مصیبتی که حمایت از جنگ عراق برایشان به ارمغان آورد، درس بگیرند.

* رابرت هانتز روز سه شنبه، در پاسخ به اینکه دولت ترامپ قصد دارد از گروه‌هایی همچون مجاهدین و سلطنت طلب‌ها به بهانه شنیده شدن صدای مردم ایران حمایت کند، این مطلب را مطرح کرد.

وی افزود: دولت ترامپ با توجه به تحرکات سعودی‌ها، امارات و اسرائیل، فشار را برای تغییر سیاست‌های ایران در منطقه افزایش داده‌اند و از



طرف دیگر عده ای از مقام های نزدیک به ترامپ همچون رودی جولیا نی به دنبال تغییر نظام در ایران هستند.

مشاور پیشین وزارت خارجه آمریکا ادامه داد: باعث تاسف است برخی از چهره ها در آمریکا با این گروه همکاری می کنند، گروهی که آمریکایی ها را کشته است.

هائتر با بیان اینکه گروه مجاهدین بیش از هر چیز، شبیه به یک فرقه است، اضافه کرد: جولیا نی چون یک «سگ دیوانه» است که با حمایت از ترامپ، خود را بزرگ کرد.

وی با بیان اینکه این گروه در جریان جنگ علیه ایران، از صدام پشتیبانی کرد که نتیجه آن کشته شدن هزاران ایرانی بود، اظهار کرد: این ایده که با این گروه می شود در ایران تغییر به وجود آورد، نشان دهنده عمق نادانی آنهاست.

عضو ارشد مرکز روابط فرا آتلانتیک تصریح کرد: با توجه به گزارش های مختلف، تلاش های جدی برای پل زدن میان اسرائیل و تعدادی از رژیم های عرب به ویژه در منطقه خلیج فارس جریان دارد که وجه مشترک آنها ناراحتی از ایران است. در این خصوص، داماد ترامپ نقش بازی می کند.

هائتر تاکید کرد: تقریباً روشن است که رئیس جمهوری آمریکا به همراه جان بولتون مشاور امنیت ملی و مایک پمپئو وزیر خارجه به دنبال منزوی کردن ایران هستند. این تلاش ها در حالی جریان دارد که به نظرم ترامپ می کوشد همکاری روسیه را برای منزوی کردن ایران جلب کند. هائتر مدعی شد: یکی از عوامل اساسی در اینجا

مساله اسرائیل است که بد یا خوب، بر سیاست واشنگتن تاثیر عمیق دارد.

وزارت خارجه آمریکا در بیانیه ای اعلام کرده است که مایکل پمپئو قرار است در هفته گذشته در جمع عده ای از ایرانیان مقیم آمریکا با موضوع شنیده شدن صدای مردم ایران سخنرانی کند. پیش از این هم برخی از نزدیکان ترامپ و سیاستمداران پیشین آمریکا در اجتماع مجاهدین که در پاریس برگزار شد، حضور یافتند و از مجاهدین به عنوان جایگزین نظام جمهوری اسلامی ایران حمایت کردند.

*وب سایت آمریکایی «مینت پرس» در گزارشی به بررسی کارنامه سیاه گروه مجاهدین در قبال ملت و دولت ایران پرداخت. در این گزارش آمده است: مسعود رجوی رهبر گروه مجاهدین خلق است. گروهی که در هسته مرکزی ائتلاف ضد ایرانی برای تغییر رژیم ایران قرار دارد. تاریخچه این گروه از یک گروه اسلامی ضدامپریالیستی با تمایلات کمونیستی که به افسران آمریکایی حمله می کرد، آغاز شده و در ادامه به ارتشی خائن می رسد که به هر کسی که با ایران مخالف است، خدمت می کند چه صدام چه اسرائیل و چه آمریکا. این گروه از روابط عمومی قوی و نفوذ بالایی در پایتخت های غربی برخوردار است تا جاییکه اندیشکده RAND آمریکا این گروه را «ماهر در تشویش اذهان عمومی» معرفی می کند اما نیم نگاهی به نشریات این گروه، آن را شدیداً دارای تعصبات فرقه ای سخیف و البته خودبزرگ بینی نشان می دهد. این گروه جزو اولین گروه هایی بود که از سوی دولت آمریکا در لیست گروه های تروریستی قرار گرفت اما به لطف خصومت شدید با جمهوری اسلامی و رشوه های کلانی که به



سیاستمداران آمریکایی داد از این لیست خارج شد. فهرست سیاستمداران و افراد ذی نفوذی که در آمریکا با این گروه در ارتباط هستند طیفی از گروه‌های سیاسی از راست افراطی گرفته تا چپ میانه را شامل می‌شود.

کاخ سفید امروز پر از افرادی است که با گروه رجوی ارتباط دارند. از جمله جان بولتون مشاور امنیت ملی آمریکا که دشمنی آشکاری با ایران دارد. یکی از دستیاران سیاست خارجی کنگره که در جشن نوروزی مجاهدین شرکت کرده بود به مجله فارین پالیسی گفته بود: «بولتون شدیداً متمایل به این گروه است... آنها به کاخ سفید تا حدودی راه پیدا خواهند کرد».

گروه مجاهدین زمانی در ایران دارای جایگاه بود اما در ادامه با انقلابیون دچار اختلاف شد و به کشتار مردم و مسئولین ایران روی آورد. این گروه در ادامه به عراق گریخت و با کمک‌های مالی و تسلیحاتی صدام، در جنگ علیه ایران وارد عمل شد. ده‌ها هزار نفر از اعضای این گروه تروریستی [پس از جنگ با ایران نیز] تحت حمایت صدام باقی ماندند و حتی بعدها در سال ۱۹۹۱ در کشتار شیعیان و کردها در عراق با رژیم بعث همکاری کردند. پس از سقوط صدام در سال ۲۰۰۳، آمریکا ۳۸۰۰ نفر از اعضای این گروه را در پادگان اشرف تحت حفاظت خود قرار داد.

به گزارش موسسه RAND، اعضای این گروه که ادعا می‌کنند بین زن و مرد برابری جنسیتی برقرار کرده‌اند زمانی که در پادگان اشرف بودند روی کف سالن‌ها خطوطی کشیده بودند که حایل بین زنان و مردان به حساب می‌آمد. پس از اخراج از عراق در سال ۲۰۱۳ بسیاری از آنها به آلبانی

انتقال یافتند که تنها کشوری بود که آنها را پذیرفت.

در حالی که بخش عمده اعضای گروه مجاهدین خلق طی این سه دهه در عراق بودند برخی از افراد کلیدی از جمله مریم رجوی در پاریس، واشنگتن و دیگر پایتخت‌های غربی ساکن شدند. طی همه این سال‌ها این گروه مشغول لابی کردن با دولت‌های غربی بود تا بتواند به ارائه اطلاعات به سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا و اسرائیل، در راستای سیاست‌های خصمانه خود در قبال ایران و حتی اقدام نظامی علیه این کشور اقدام کند.

عمق نفوذ در آمریکا

در واشنگتن، این گروه توانسته است با سیاستمداران پرنفوذ آمریکایی ارتباط برقرار کند. حتی واشنگتن تایمز که وابسته به طیف راست افراطی به شمار می‌رود، در گزارشی ویژه از این گروه با عنوان «منادیان آزادی برای ایران» یاد کرد. در این گزارش افرادی مثل نانسی پلوسی (رهبر دموکرات‌های مجلس نمایندگان آمریکا)، ترکی بن فیصل (رئیس سابق دستگاه اطلاعاتی عربستان) و جان مک‌کین (رئیس کمیته نیروهای مسلح سنای آمریکا) به تقدیر از این گروه تروریستی پرداخته بودند.

پایگاه مینت‌پرس در ادامه به چند مورد از اقدامات مقامات بلندپایه آمریکایی در حمایت از این گروه تروریستی پرداخته است:

— در سال ۲۰۰۰، «جان اش کرافت» سناتور سابق جمهوری‌خواه که بعداً در دولت بوش دادستان کل شد به نفع مهناز صمدی از فرماندهان نظامی مجاهدین که نتوانسته بود حین



ورود به آمریکا سوابق تروریستی خود را کتمان کند و توسط اداره مهاجرت این کشور دستگیر شده بود، وارد عمل شد و از وی با عناوینی همچون "فعال بسیار محترم حقوق بشر" و "صدای رسای دموکراسی" یاد کرد!

"تام ریچ" فرماندار سابق پنسیلوانیا و اولین وزیر امنیت داخلی آمریکا از شورای ملی مقاومت ایران (!) با عنوان "آشکارترین، معتبرترین و موثرترین حرکت دموکراتیک که برنامه‌ای مشخص برای بازگرداندن دموکراسی به ایران دارد" یاد کرد که با "دستان مقتدر مریم رجوی" اداره می‌شود.

"ایلیانا رز لتینن" نماینده میامی در مجلس نمایندگان آمریکا که زمانی رییس کمیته امور خارجی این مجلس بود از جمله افراد موثر در تدوین مصوبه‌ای به شمار می‌رفت که خواهان تغییر رژیم در کشورهای کوبا، ایران، سوریه و ونزوئلا بود. او حتی در سال ۲۰۰۶ خواستار ترور فیدل کاسترو رهبر فقید کوبا شده بود. او در سال ۲۰۰۳ در دفاع از مجاهدین از آنان با عنوان گروهی که "دوستدار آمریکا هستند و در جنگ با تروریسم متحد این کشور به شمار می‌روند" یاد کرد.

"دیک آرمی" رهبر سابق اکثریت مجلس نمایندگان آمریکا و از افراد مورد اعتماد بوش، از حامیان سرسخت مجاهدین خلق بود. وی همچنین نماینده سعید قایمی یک ایرانی تبعیدی ساکن آمریکا بود که در قبال خدماتی که آرمی برای مطرح کردن مسایل مربوط به ایران در مجلس نمایندگان، وزارت خارجه، وزارت دفاع، کاخ سفید، شورای امنیت ملی و خزانه‌داری آمریکا انجام می‌داد، به او پول پرداخت می‌کرد.

در حلقه اطرافیان دونالد ترامپ نیز افراد شاخصی وجود دارند که با مجاهدین در ارتباط هستند: "رودی جولیان" شهردار سابق نیویورک و مشاور حقوقی فعلی ترامپ یکی از حامیان اصلی مجاهدین خلق است که همراه با مقاماتی از هر دو جناح آمریکا اندکی پس از تحلیف ترامپ طی نامه‌ای به وی خواستار گفتگو با مجاهدین شد. بعدها فاش شد که وی در قبال دفاع از خروج نام مجاهدین از لیست گروه‌های تروریستی وزارت خارجه آمریکا، رشوه دریافت کرده است. او تقریباً هر ساله در همایش مجاهدین در پاریس به عنوان مهمان دعوت می‌شود و مدام در تلویزیون علیه ایران حرف می‌زند.

"نوت گینگریچ" مشاور ترامپ و از بزرگان حزب جمهوری خواه که سابقه ریاست بر مجلس نمایندگان آمریکا را نیز در کارنامه دارد، یکی دیگر از این افراد به شمار می‌رود. وی که به باراک اوباما، رئیس‌جمهور سابق آمریکا، به خاطر تعظیم در برابر پادشاه سعودی اعتراض می‌کرد خود در برابر مریم رجوی تعظیم کرد.

"الاین چائو" وزیر تایوانی تبار حمل و نقل آمریکا و همسر میچ مک کانل رهبر اکثریت سنا هم دوبار در ازای پرداخت ۵۰ هزار دلار و ۱۷ هزار و پانصد دلار در زیر مجموعه‌های مجاهدین مانند اتحادیه فرهنگی ایرانیان مقیم آمریکا و شورای ملی مقاومت سخنرانی کرده است. وی در یکی از همایش‌های مجاهدین که جولیان هم در آن حضور داشت، به عنوان مهمان افتخاری در کنار مریم رجوی نشست بود.



اسرائیل حمایتش از فرقه تروریستی

رجوی را علنی نمود.

روز ۲۹ تیر خبرگزاری ها به نقل از رسانه های اسرائیلی نوشتند:

«سازمان اطلاعات خارجی اسرائیل (موساد) به خنثی کردن طرح ادعایی حمله به نشست مجاهدین خلق در فرانسه کمک کرده است. . . به گزارش کانال دو تلویزیون اسرائیل این طرح با همکاری سرویس اطلاعاتی اسرائیل با کشورهای آلمان، فرانسه و بلژیک خنثی شده است. این گزارش می گوید اسرائیلی ها چند مظنون را در کشورهای مختلف ردیابی کردند و «اطلاعاتی حیاتی» در اختیار دولت های اروپایی گذاشتند. . . پیشتر بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل گفته بود که خنثی شدن طرح حمله به مجاهدین خلق در فرانسه «تصادفی» نبوده، اما اشاره روشنی به نقش اسرائیل در این ماجرا نکرده بود.»

سایت بی بی سی فارسی نیز این خبر را با عنوان «اسرائیل نقشی حیاتی در خنثی کردن طرح حمله به مجاهدین خلق داشته.» منتشر کرده است.

سال هاست که فرقه تروریستی رجوی تحت حمایت اسرائیلی های کودک کش و جنگ طلبان آمریکایی قرار دارند اما این بار اسرائیل به صراحت به حمایت از این فرقه تروریستی اذعان نمود.

چرا نتانیاهو و حامیانش در اسرائیل که اعتراضات مسالمت آمیز فلسطینی ها را با بمباران و کشتار کودکان جواب می دهند این چنین حامی فرقه رجوی شده اند؟

چرا نتانیاهو به عنوان سمبل جنایتکارترین جناح اسرائیل در حالی که برخلاف تمام قطعنامه های سازمان ملل (که مورد تأیید غربی ها و منجمله آمریکا بودند) به شهرک سازی در اراضی اشغالی ادامه می دهد و حاضر نیست کوچکترین امتیازی حتی به سازشکار ترین جناح های فلسطینی بدهد، این چنین از فرقه تروریستی رجوی حمایت می کند؟

چرا نتانیاهو کودک کش و حامیانش همچون نیکی هیلی که از جنایت علیه فلسطینیان حمایت می کنند و حتی برای ادامه بی مشکل این جنایات، شورای حقوق بشر سازمان ملل را فاضلاب می خوانند و از آن خارج می شوند، تا این حد به حمایت از فرقه تروریستی رجوی می پردازند؟

چرا نتانیاهو و حامیانش در آمریکا چشمشان را به شعارهای ضد اسرائیلی و ضد آمریکایی که فرقه رجوی در نخستین سال های پس از پیروزی انقلاب می داد بسته اند؟ فرقه رجوی چگونه به آن ها اثبات کرده که این ها فقط شعارهای فریبنده بوده و این فرقه به دنبال نوکری برای آمریکا و اسرائیل و عربستان است؟

جواب این سؤالات عمق رذالت رجوی ها و کینه ای است که آن ها نسبت به ایران و ایرانی دارند. رجوی ها در مسیر سراسر خیانت بار و البته سراسر



شکست خود برای رسیدن به قدرت، به هر نوع خیانتی که بعضاً شاید غیر قابل تصور هم باشد دست زدند که بخشی از آن عبارت است از:

جاسوسی برای کا گ ب

مزدوری برای صدام

مزدوری برای نیروهای اشغالگر آمریکایی در عراق

مزدوری برای سعودی ها

مزدوری برای اسرائیل

مزدوری و همکاری فرقه تروریستی رجوی با اسرائیل به اوایل دهه ۸۰ برمی گردد. زمانی که اسرائیلی ها می خواستند علیه برنامه صلح آمیز هسته ای ایران توطئه کنند و به منظور مشروع کردن این توطئه به یک نیروی به ظاهر ایرانی نیاز داشتند تا از زبان آنان این توطئه را پیش ببرند. در آن زمان حتی نیروهای سلطنت طلب حاضر به قبول این ننگ نشدند اما رجوی ها بی شرمانه این طرح را پذیرفته و به همکاری با صهیونیست ها اقدام کردند.

بعدها یک محقق آمریکایی افشا کرده بود که ترور دانشمندان هسته ای ایران توسط فرقه رجوی و با هدایت و کمک اسرائیل انجام گرفته است.

در جریان مذاکرات برجام در تمام دنیا تنها دو دولت و یک گروه با این مذاکرات مخالف بودند. جناح کودک کش نتانیاهو در اسرائیل، به همراه حکومت عربستان سعودی که مذاکرات مخفیانه ای با اسرائیلی ها داشت و فرقه تروریستی رجوی که به مزدوری برای اسرائیل و عربستان مشغول بود.

اخیراً هم که توطئه دیگری با عنوان تهدید بمب گذاری در برنامه سالانه فرقه به راه انداخته اند که هدفش ایران هراسی از طریق فضا سازی برای تحت الشعاع قرار دادن سفر رئیس جمهور ایران به اروپا و مذاکرات ایران و اروپا حول برجام بود و اسرائیلی ها به صراحت اعلام کردند که نقش شان در این ماجرا حیاتی بوده است .

شاید در تاریخ هیچ نیرویی به اندازه مجاهدین خلق (فرقه تروریستی رجوی) خود را به این همه پلیدی ها نیالوده باشد. اما یک نکته روشن است و آن این که حمایت علنی اسرائیل از فرقه تروریستی رجوی نه یک شروع بلکه پایان راهی خیانت بار برای فرقه در حال فروپاشی رجوی است.





عملیات دروغ جاویدان یا نقطه فروپاشی فرقه رجوی

وقتی به سر فصل عملیات دروغ جاویدان می‌رسیم سران فرقه به همراه دستگاه تبلیغاتی خود سعی می‌کنند عملیات شکست خورده دروغ جاویدان را پر اهمیت نشان دهند و آن را تبدیل به پیروزی کنند.

برای بررسی اهمیت عملیات دروغ جاویدان بهتر است قدری به شرایط به وجود آمدن این عملیات اشاره کنیم تا مشخص شود رجوی در چه شرایطی دست به این خودکشی بزرگ زده است.

رجوی تروریست در تحلیل شرایط جنگ عنوان داشت که حکومت ایران به هیچ قیمتی حاضر به صلح نیست و اگر این کار را انجام دهد به مثابه طناب دار برای حکومت عمل خواهد کرد. از طرف دیگر در تحلیل‌های سازمان این گونه مطرح می‌شد که سازمان

زائده جنگ عراق علیه ایران نیست. اوج توهم رجوی در گرفتن شهر مهران در عملیات چلچراغ در خرداد ۶۷ بوده که شعار "امروز مهران فردا تهران" نمود پیدا کرد. بعد از قبول آتش بس از طرف ایران، رجوی شیاد می‌بایست به این سؤال پاسخ می‌داد که بالاخره سازمان وی زائده جنگ بوده است یا خیر؟ از طرف دیگر می‌بایست به بررسی تحلیل "حکومت ایران صلح نخواهد کرد" می‌پرداخت ولی این گونه نشد و رجوی در اوج توهم و خودپرستی مفرط عنوان داشت حکومت ایران بعد از اشغال شهر مهران لرزه سرنگونی را احساس کرده و ناچار به خاطر عملیات‌های نظامی سازمان دست به صلح زده است!!!





رجوی بعد از قبول آتش بس در یک سرگردانی در تحلیل هایش به سر می برد و به جای این که به مواردی که مدعی آن شده بود جواب پس بدهد تصمیم به خودکشی گرفت و خواست که بهای نادانی و شکست تحلیل هایش را اعضای نگون بختش بدهند به همین خاطر با تمام وجود به ایران حمله نظامی کرد. البته این عملیات از ابتدا قابل باور بود که منجر به شکست خواهد شد چرا که رجوی برای فرار از پاسخگویی به تحلیل های آیکی خود به این عملیات نیاز داشت تا هم بتواند تعدادی را به کشتن بدهد و هم این که مدعی شود که ارتش وی زائده جنگ نبوده است.

در عمل هم وقتی وارد صحنه جنگ شدیم بر اساس مشاهدات و نبردهای جنگی به خوبی می توانستیم درک کنیم که نمی توانیم حتی به کرمانشاه برسیم چون به لحاظ نظامی اصلاً قابل باور نیست که ارتشی روی محور پیشروی و رانندگی در خیابان آسفالته به پایتخت رسیده و حکومتی را سرنگون کرد اگر این گونه بود به طبع ارتش مجهز عراق خیلی زودتر می توانست به تهران برسد ولی از آنجایی که رجوی به این عملیات نیاز داشت تا بتواند به فریبکاری و حقه بازی هایش در عراق ادامه بدهد.

وقتی صحبت از ارتش می شود منظور ارتش های کلاسیک است ولی ارتشی که سازمان تروریستی رجوی از آن حرف می زند ارتشی بی یال و دم بوده که نفراتش به جز تعداد اندکی که آموزش نظامی دیده بودند بقیه افراد حتی استفاده از سلاح سبک را هم بلد نبودند

و به همین خاطر از اروپا به صحنه جنگ فرستاده می شدند. البته در کنار این مسئله شاهد بودیم مواردی که نفرات تا آخر جنگیده و نارنجک کشیدند ولی وقتی به قرارگاه اشرف بازگشتیم رجوی در اوج پستی و دنائت عنوان داشت که علت عدم سرنگونی درگیر بودن ذهن افراد در زن و زندگی بوده و این که تمام انرژی لازم را برای جنگ نگذاشتید. ولی از طرف دیگر دستگاه تبلیغاتی فرقه رجوی در اقدامی به غایت شیادانه عنوان می کند نیروهای وی در جنگ رشادت زیادی نشان دادند و یا به نقل از مسئولین حکومتی که نیروهای سازمان تا سر حد مرگ می جنگیدند! بالاخره کدام را باید باور کرد؟ درگیر بودن ذهن افراد در مورد زن و زندگی یا رشادت و ...!!!

از آنجایی که رجوی تروریست هیچ وقت به کسی پاسخگو نبوده، در این باره نیز با چهره ای حق به جانب سعی نمود همه افراد بازگشته از عملیات را شلاق کش نموده تا دیگر کسی جرأت پاسخ خواستن از وی را نداشته باشد.

اکنون هر چقدر از خودکشی بزرگ رجوی در سال ۶۷ فاصله می گیریم به خوبی می توان درک کرد که عملیات دروغ جاویدان نقطه عطف فروپاشی رجوی در عراق بوده است. بعد از این شکست دیگر سازمان نتوانست در مقابل حکومت ایران دست به اقدام نظامی بزرگی بزند به طور مثال رجوی عنوان داشته بود که یکی از نقاط عطف ما فوت رهبری انقلاب ایران است ولی شاهد بودیم که رجوی حتی جرأت نکرد ارتش کاغذی خود را از درب اشرف خارج کند و یا در زمان حمله آمریکا به



عراق در سال ۱۳۸۱ و سرنگونی صدام که قرار بود با تمام قوا به سمت ایران لشکر کشی بکنیم و دستور اکید رجوی بود ولی باز هم شاهد بودیم که رجوی حتی جرأت دستور حرکت دادن ارتش کاغذی اش را هم نداشت و در نهایت در اوج خفت و خواری دست از پا کوتاهتر تن به خلع سلاح داد و در نهایت همه مرزهای سرخی که در مورد ترک اشرف می گفت پس بگیرد و به غلط کردم گویی افتاد و شاهد بودیم که به کشور آلبانی دیپورت شدند و اگر اکنون مریم قجر و ملیجک های دربارش باز هم شعار ارتش کاغذی رجوی را نشخوار می کنند دروغی بیش نیست و فقط قصدشان فریبکاری و نگهداشتن افراد در تشکیلات می باشد.

البته اکنون رجوی شاید برای فریبکاری اسم ارتش کاغذی خود را به کانون های به اصطلاح شورشی تغییر داده است و فکر می کند که با نوشتن یک شعار روی دست و یا نشان دادن عکس مریم قجر در تلفن همراه سرنگونی خیالی وی را به ارمغان خواهد آورد.

بهتر است رجوی به جای شیبادی و گور به گور شدن ابتدا پاسخگوی شکست عملیات دروغ

جاویدان باشد که باعث کشته شدن بیش از ۱۵۰۰ نفر و بیشتر از این مجروح شد بدهد.

حال اکنون هر چقدر مریم قجر و ملیجک های دربارش در مورد عملیات دروغ جاویدان دروغ سر هم کنند و این که این عملیات بیمه نامه ارتش کاغذی رجوی بوده است ولی ما می دانیم که آن عملیات بیمه نامه فروپاشی فرقه رجوی بود چون بعد شاهد تحولاتی در سازمان و منطقه بودیم که اکنون فرقه برای نگهداشتن یک نیرو در آلبانی باید چه دروغ هایی سر هم کند تا فرد را در مناسبتش نگهدارد.

در یک کلام باید گفت که عملیات دروغ جاویدان شکست تحلیل های رجوی و به زیر کشیده شدن وی از تاج و تختی که برای خودش درست کرده بود حال هر چقدر فرقه تروریستی رجوی می خواهد در بوق و کرنا بکوبد که ما پیروز شدیم ولی ما دم خروس دروغ های وی را با جدا شدن افراد در عراق و آلبانی شاهد هستیم که این گونه بیرون می زند.

از آنجایی که رجوی تروریست هیچ وقت به کسی پاسخگو نبوده، در این باره نیز با چهره ای حق به جانب سعی نمود همه افراد بازگشته از عملیات را شلاق کش نموده تا دیگر کسی جرأت پاسخ خواستن از وی را نداشته باشد.



نویسد با انتشار تصاویر و یادداشت هایی برای مهر، پرده از سناریوی کثیف و نخ نما شده مسئولان سازمان منافقین برداشت و عنوان کرد که فرد دستگیر شده خود یکی از اعضای فعال سازمان در اروپا بوده است.

**این عضو سابق منافقین به تازگی
مطلب جدیدی برای مهر ارسال کرده
که بی کم و کاست منتشر می شود:**

همان طور که در یادداشت های قبلی خود هم اشاره کردم، من از هواداران سابق مجاهدین و از دوستان امیر سعدونی بودم که در سال های قبل، به دلیل برخی رفتارها و تصمیمات از سوی کادر رهبری گروه از این فرقه جدا شدم، اما طی این سال ها ارتباطاتم را با هوادارانی مثل امیر سعدونی حفظ کرده بودم.

سازمان تروریستی منافقین که کارنامه جنایت هایش به خون ۱۷ هزار ایرانی بی گناه آغشته است، در اقدامی جدید نشان داد که حتی به اعضای که وظیفه خدمتگزاری و آشپزی سرانش را برعهده دارند هم رحم نمی کند.

به گزارش خبرنگار مهر، حدود دو هفته قبل بود که دادستانی بلژیک در اطلاعیه ای از دستگیری یک زوج بلژیکی ایرانی تبار خبر داد و مدعی شد که این دو نفر تصمیم داشتند با انفجار بمب، به همایش سالانه منافقین که روز شنبه ۹ تیرماه، در شهر ویلپنت، واقع در نزدیکی پاریس برگزار شد، سوء قصد کنند! دادستانی بلژیک نام این دو نفر را «امیر. س» و «نسیمه. ن» اعلام کرد.

در همان روزها یکی از دوستان قدیمی سعدونی که سال هاست علیه این فرقه مقاله می



من در این سال ها تمام تلاش خود را برای نجات هواداران فریب خورده این فرقه به کار گرفتم، اما متأسفانه در خصوص امیر موفق به این مهم نشدم.

نمی دانم چقدر مطلع هستید، فرقه مجاهدین در این مدت با همه توان سعی کرد تا دو دهه هوادارای امیر از سازمان و زحماتی که او به زعم خود برای ایران کشیده!! را پنهان کرده و امیر را یک تروریست کامل و مأمور حکومت ایران معرفی کند.

برای من مشخص نیست امیر به چه دلیل و چه هدفی این کار را انجام داده، اما من که از نزدیک نشست هایی را که در دهه هفتاد شمسی (نود میلادی) جهت اقناع هواداران به خودسوزی در فرانسه و آلمان برگزار

و طی آن مسئولان سازمان با روش های مختلف اعضا را چنان هیجانی و احساسی می کردند که آن ها راضی به آتش زدن خودشان می شدند دیده ام، مشخص است که حتماً افرادی مانند مهدی ابریشم چی، مهوش سپهری و زهرا مریخی، امیر را شستشوی مغزی داده بودند تا برای نجات ایران!! این کار را انجام دهد.

همچنین برای من و امثال من که واقعیات گروه را از نزدیک دیده اند مشخص است که مسئولان گروه برای فرار از پاسخگویی در خصوص علت کاهش چشمگیر ایرانیان و حتی

اعراب و افغانستانی ها برای شرکت در «مراسم ویلپنت» و هم چنین به حاشیه کشاندن انتقاد هواداران مبنی بر دلایل ارتباط شان با عربستان سعودی، که رژیمی منفور نزد تمام ایرانیان است، مبادرت به این کار کرده اند.

همان طور که می دانید، منافقین ادعا می کنند که امیر قصد داشته در میان آن همه محافظ و جمعیت، با پانصد گرم اسید مریم رجوی را ترور کند!

همان طور که می
دانید، منافقین
ادعا می کنند که
امیر قصد داشته
در میان آن همه
محافظ و
جمعیت، با پانصد
گرم اسید مریم
رجوی را ترور
کند!





«امیر سعدونی» در جمع عناصر منافقین در محل پخت غذای مسئولین سازمان/مقر موسوم به زائریان

شود، در غذای یک شب مریم رجوی و سایر اعضای کادر سازمان بریزد و همه را بکشد، بدون آن که رد پایی از خودش به جا گذارد و هرگز مقصر هم شناخته نمی شد.

همین استدلال ساده نشان می دهد که سناریوی فریب افکار عمومی جهانیان توسط سازمان گروهک تروریستی متهم کردن امیر به ترور رهبران سازمان رجوی و بمب گذاری در نشست اخیر آن ها، چقدر بی پایه و اساس و بی ارزش است.

سؤال من از رهبران سازمان رجوی این هست که مگر امیر سعدونی در سال های اخیر در مقر به اصطلاح زائریان، که مسئول پخت و پز و سرو غذای مریم رجوی و کادر درجه یک سازمان می باشد، مشغول نبوده است؟

بنابراین، هر عقل سلیمی می گوید اگر امیر قصد ترور رهبران سازمان را داشت، به راحتی می توانست به جای پانصد گرم اسید و عبور از میان آن همه محافظ و گیت های بازرسی، از همان سیانورهایی که در «مقر اوور» هم فراوان پیدا می



تا جدایی نهایی حبیب از فرقه رجوی از تلاش دست نخواهیم کشید



حضور خانواده حبیب الله قاسمی (عضو گرفتار در فرقه رجوی) در دفتر انجمن نجات زنجان

خانواده **حبیب الله قاسمی** که اخیراً داغ فقدان خواهر گرامی خود مرحومه (بانو رقیه قاسمی) را پشت سر گذاشته اند با حضور برادر بزرگ حبیب، آقای روح اله و خواهر گرامیشان خانم لیلا قاسمی در دفتر انجمن نجات استان زنجان، فضای احساسی و تأثیرگذاری را ایجاد و از چگونگی وابستگی خواهر مرحوم خود به حبیب الله که در فراق برادر چشم از جهان فروبست سخن ها گفتند.

در این دیدار آخرین وضعیت افراد فرقه در آلبانی مورد بحث و گفتگو قرار گرفت و خانواده محترم قاسمی با تأکید بر ایستادگی اظهار داشتند: تا جدایی نهایی حبیب از فرقه جهنمی رجوی از تلاش های بی وقفه خود دست نخواهند کشید.

خانم قاسمی در پایان با دل نوشته کوتاهی احساسات و عواطف خود و خانواده اش را تقدیم برادرش حبیب نمود.

گناه ما چیست؟



گفتگوی صمیمی انجمن نجات با آقای محمد قاسمی پدر شکوه قاسمی

آقای قاسمی با سلام !

حال شما چطور است؟ از این که وقتتان را در اختیار ما گذاشتید از شما تشکر می کنیم.

آقای قاسمی از آنجایی که وضعیت جسمی شما خوب نیست نمی خواهیم وقت شما را زیاد بگیریم سعی می کنیم گفتگوی ما با شما کوتاه باشد.

— من هم خدمت شما سلام دارم و از شما تشکر می کنم.

آقای قاسمی دختر شما **شکوه قاسمی** چند سال در فرقه است؟

نزدیک به ۳۰ سال است در فرقه است.

تا به حال با شما تماسی داشته و یا نامه ای برای شما ارسال کرده است؟

خیر! نه تماسی با من و مادرش داشته و نه نامه ای از او به دست ما رسیده است.

با سازمان های حقوق بشری نامه نگاری کردید؟

بله! چند نامه برای آن ها ارسال کردم ولی جواب به من ندادند.

آقای قاسمی نسبت به فرقه رجوی چه میزانی شناخت دارید؟

واقعیت امر این است که من شناختی از فرقه رجوی نداشتم! با دنبال کردن اخبار مربوط به فرقه و خواندن نشریه به ضد بشر بودن و ظلمی که در حق فرزندانمان می کند نسبت به فرقه رجوی اشراف کامل پیدا کردم و فکرمی کنم ماهیت فرقه رجوی برای همگان روشن شده است.

شما می گوئید رجوی ظالم و ضد بشر است، چه پیامی برای رجوی و سرانش دارید؟

می خواهم به رجوی بگویم پست ترین موجود روی زمین هستی. تو دشمن ایران و ایرانی هستی، ما را داغدار کردی! نه فقط من بلکه هزاران هزار پدران و مادران را داغدار کردی. فرزندان ما را به اسارت گرفتی. صحنه های حضور مادران و پدران در کنار پادگان اشرف به یاد می آید که چگونه پدران و مادران حنجره خود را پاره می کردند و سران رجوی با سنگ و اشیای فلزی از آن ها استقبال می کردند. گناهشان این بود که می خواستند بعد از چندین سال با فرزندانشان ملاقاتی داشته باشند ولی متأسفانه فرقه رجوی این اجازه را به آن ها نداد. از دشمن مردم ایران بیشتر از این انتظاری نداریم.

آقای قاسمی در پایان پیامی دارید برای دختران شکوه بدهید؟

در همین جا می خواهم به دخترم شکوه بگویم این همه سال در فرقه رجوی ماندی، کجا را گرفتی؟ فقط من و مادرت را در حسرت دیدارت گذاشتی. چندین سال است به تو اجازه ندادند تماسی با ما بگیری که لااقل بدانیم زنده ای. در کدام کشور و یا در کجای دنیا قانونی تصویب کرده اند که دیدار پدر و مادر با فرزند خود ممنوع است! الآن در آلبانی مشغول چه کاری هستی و چه کاری را پیش می بری؟! فقط عمر خودت را برای دشمنان مردم ایران به تباهی کشیدی. به هر حال من پدر تو هستم و تو را دوست دارم و هم دلم به حالت می سوزد و آرزو می کنم هر چه زودتر به آغوش خانواده برگردی. به امید آن روز.

آقای قاسمی با تشکر از شما ببخشید مزاحم اوقات شما شدیم.

من هم از شما تشکر می کنم.



تسلیت به آقای محمد آق آتابای و خانواده محترم



با کمال تأثر و تأسف باخبر شدیم که ابوی گرامی همسر آقای محمد آق آتابای، مسئول انجمن نجات استان گلستان، به صورت ناگهانی و غیرمترقبه فوت نموده و بازماندگان خود را در ماتم و اندوه فرو برده است. انجمن نجات ضمن عرض تسلیت به آقای محمد آق آتابای و خانواده محترم ایشان، برای آن مرحوم طلب مغفرت نموده و برای بازماندگان صبر جمیل آرزو دارد. ما را در غم خود شریک بدانید.

تسلیت

پیام تسلیت انجمن نجات گیلان به خانواده زاد اسماعیلی

بازگشت همه به سوی خداست

در کمال تأثر و تألم خانم کربلائیه سیده زهرا راد مرد ۷۵ ساله مادر **داود زاد اسماعیل** عضو اسیر رجوی در آلبانی متعاقب تحمل درد جانکاه بیماری قلبی و دیابت، خاصه غم و غصه ی چشم انتظار طاق فرسای جگرگوشه اش، بی آن که عزیزش را درآغوش بکشد یا دست کم صدایش را بشنود، دارفانی را وداع گفت و به ابدیت پیوست و آرامش گرفت.

مرحومه مغفوره به اتفاق همسر گرامی شان آقای هوشنگ زاد اسماعیل از سالیان پیش تر ارتباط شان با انجمن نجات گیلان وصل بود و از برای رهایی جگرگوشه شان ازهیچ کوششی دریغ نمی کردند.

بارها و بارها با وجود بیماری و کهولت سن از اسالم طالش از شهرهای گیلان رنج سفر را تحمل نموده و برای کسب خبر و نامه نگاری برای مجامع حقوق بشری خاصه نوشتن درد دل برای فرزندشان مشتاقانه در



دفتر انجمن حضور می یافتند و بارها و بارها به منظور ملاقات حضوری با دلبندها به عراق نا امن سفر نمودند ولیکن هر بار ناکام و ناموفق از دیدار با فرزندشان به خانه و کاشانه خود باز می گشتند.

همین ماه قبل در ماه مبارک رمضان بود که به مجرد اطلاع از حال وخیم مرحومه مغفوره به دیدارشان در منزل ایشان شتافتم و هیچ گاه از خاطر نمی رود که مهربانانه و در عین حال ملتمسانه از من پرسید:

“آیا می شود قبل از مرگم داود را ببینم و ببویم و ببوسم؟”

با درود بی پایان بر روان پاک و طیب مادر چشم انتظار مرحومه زنده یاد سیده زهرا راد مرد و عرض تسلیت به خانواده محترم راد مرد و زاد اسماعیل، خاصه همسر وفادارشان آقای هوشنگ زاد اسماعیل (بابایی) و خطاب به عضو اسیر رجوی در آلبانی داود زاد اسماعیل که با اندک تامل و بکارگیری اراده و اختیار و آگاهی و رهایی از شر رجوی ضد خانواده و پیوستن به خانواده به منظور خشنود کردن آنان و شادی روح پر فتوح مادر مرحومه سیده زهرا راد مرد.

تسلیت



تسلیت انجمن نجات استان مرکزی به خانواده آقای غلام رضا نوری

با خبر شدیم آقای غلام رضا نوری یکی از فعالین انجمن نجات استان مرکزی زندگی را بدرود حیات گفته است. آقای نوری زمانی که فرقه رجوی در عراق و در پادگان اشرف مستقر بود پا به پای خانواده ها در کنار پادگان اشرف فعالیت چشم گیری داشت. خانواده هایی که در کنار پادگان اشرف مستقر بودند از او تعریف می کردند. انجمن نجات استان مرکزی ضمن عرض تسلیت به خانواده آقای نوری، طول عمر بیشتری را برای بازماندگان ایشان آرزو می کند. روح آقای نوری شاد و مزارش پر نور باد.



تلاش بی ثمر مریم رجوی

برای فراموشی مرگ مالک شرعی در هیاهوی ویلپنت

فرقه رجوی طی اطلاعیه ای در اول تیرماه ۹۷ اعلام کرد که مالک شرعی به دنبال تلاش برای نجات یکی از همزمانش در تاریخ سه شنبه ۲۹ خرداد در دریاچه روتول در منطقه مانز آلبانی به شهادت رسیده است. آنچه در متن این اطلاعیه ذهن هر ناظر بی طرفی را به خود مشغول می کرد تناقضات انبوه و توجیهات مضحکی بود که در سطر سطر این بیانیه سرهم بندی شده به چشم می خورد.



شهادت قهرمان پاکباز مجاهد خلق مالک شرعی بخاطر نجات جان یکی از همزمانش در آلبانی

مجاهد قهرمان مالک شرعی بخاطر نجات جان یکی از همزمانش در دریاچه روتول در منطقه دُورس آلبانی به

شهادت رسید. سه شنبه ۲۹ خرداد ۱۳۹۷ وقتی مالک که در ساحل بود متوجه شد یکی از همزمانش که برای شنا به داخل آب رفته دچار انقباض عضلانی شده است و در حال غرق شدن کمک می‌خواهد، بلافاصله با لباس به داخل دریاچه پرید و با تلاش فوق العاده همزم خود را از غرق شدن به روی آب آورد و جان او را نجات داد اما لحظاتی بعد خودش در آب فرو رفت و نتوانست بیرون بیاید. جستجو و اقدامات بعدی کتبی دیگر از همزمان و کمک یکی از اهالی با قایق نیز به نتیجه نرسید. همزمان مجاهدین از پلیس و غواصان زنده دولت آلبانی کمک خواستند و عملیات نجات تا شروع تاریکی در دو نوبت به سرانجام رسید. جستجو برای یافتن پیکر شهید در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه ادامه یافت اما هنوز به نتیجه نرسیده است.

مالک شرعی قهرمان پاکباز مجاهد خلق متولد ۱۳۴۹، فرزند دلاور مریم خرمشهر، ۲۱ سال پیش به روش آزادیبخش ملی ایران پیوست و در تمام سالهای پایداری پرشکوه در اشرف و لیبرتی سرفرازانه مجاهدت کرد. او یکی از شاهدان جنگ عام دهم شهریور ۱۳۹۲ در اشرف بود که طی آن ۵۲ تن از مجاهدین در محله نیروهای مالکی سردوخیم "عراق جدید" و مزدوران نیروی تروریستی قدس به شهادت رسیدند. مالک و همزمانش با دست خالی و بی دفاعی بی نظیر به مقابله با جلادان و آدمکشان پرداختند. او بخاطر پاکبازی، مجاهدت صادقانه و فدای بیکرانیش در راه آزادی خلق، مهن، همواره برای کانونهای شورشی مردم آوران آزادی، نمونه ای الهام بخش باقی می ماند.

سازمان مجاهدین خلق ایران

اول تیر ۱۳۹۷

بودند در قتل مالک توسط سرکردگان فرقه رجوی هیچ گونه شکی نداشتند.

خبرهایی که از داخل مقر اشرف سه به بیرون درز پیدا کرده حاکی از این بود که مالک ۲۰ روز قبل از این اتفاق درخواست جدایی کرده بود ولی از طرف فرماندهان فرقه به شدت با آن مخالفت شده بود، حتی گفته شد که مالک در طی این مدت در یک محل ایزوله نگهداری می شد و

همین فرقه دو هفته بعد از مرگ مالک طی اطلاعیه دیگر اعلام کردند جسد مالک در عمق ۱۰ متری رودخانه و در یک گودال پیدا شده است. از همان روز اول این حادثه تمام اعضای جدا شده که سالیان با مالک در مراکز و مقرهای مختلف در اشرف با وی بوده و با خلق و خوی و ویژگی و توانمندی جسمی و به خصوص در فن شنا آشنا



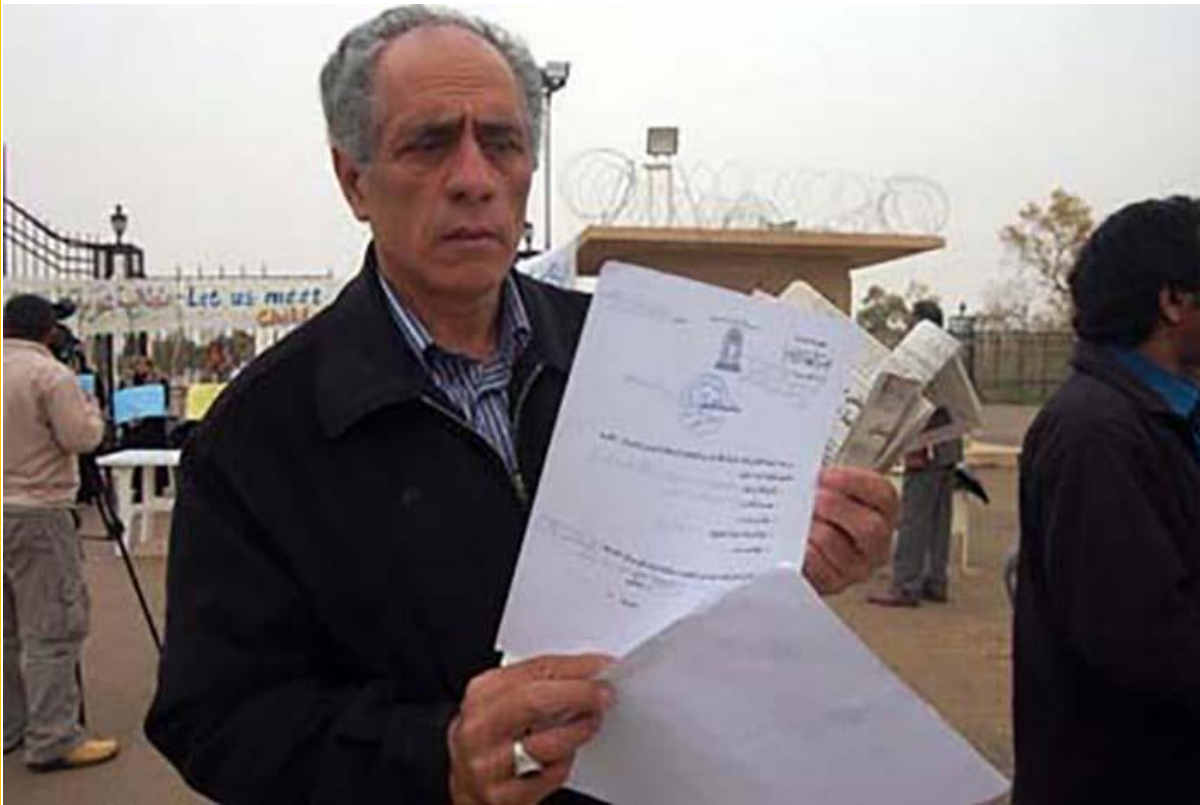
نفراتی برای مراقبت از او گمارده بودند. با توجه به نزدیک بودن مراسم خیمه شب بازی ویلپنت در تاریخ ۹ تیرماه ۹۷ (۳۰ ژوئن ۲۰۱۸) سرکردگان این فرقه برای خلاصی خود از این بحران و جلوگیری از تأثیرات افشاگرانه آن بر این مراسم شتاب زده اقدام به سرهم بندی کردن این اطلاعات و اعلام پیدا شدن جسد کردند. جالب اینجاست که مریم رجوی در موارد مشابه با قهرمان اعلام کردن کشته شدگان حملات موشکی در اشرف و لیبرتی و تجلیل از خلق حماسه از طرف آن ها سعی می کرد شرکت کنندگان را تهییج و تحت تأثیر قرار دهد ولی در یک تناقض آشکار امسال در این مراسم اسمی از مالک نبرد در حالی که در اطلاعیه صادر شده این فرقه از او به عنوان کسی که برای نجات همزمش دست به یک فداکاری حماسی زده بود یاد کرده بود.

در تمام جریانات سیاسی و یا اجتماعی و نهادهای دولتی رسم است که در صورت فوت یکی از اعضا به وابستگان درجه یک او تسلیت گفته و با آن ها ابراز همدردی می کنند ولی مریم رجوی و دیگر همپالگی هایش کوچک ترین پیامی به خانواده مالک و به خصوص مادر داغدارش ندادند. در قاموس فرهنگی و مناسبات اجتماعی این فرقه اصولاً خانواده هیچ نقش و جایگاهی ندارد و طرف حساب به شمار نمی آید.

مریم رجوی ضد بشر تلاش کرد در هیاهوی پناهجویان جمع آوری شده از کمپ های

پناهندگی اروپا و داوطلبان تورهای مجانی مسافرتی به پاریس که به گفته خودشان هیچ آشنایی با این فرقه نداشته اند با خاصه خرجی از جیب شیوخ سعودی و حمایت سیاسی چهره های بد نام و جنگ طلب آمریکایی به این شوی خود رونق بخشیده و مرگ مالک را به فراموشی بسپارد، غافل از این که خانواده داغدار مالک با نامه نگاری های مستمر با دولت آلبانی، کمیساریای ملل، اتحادیه اروپا و وجدان های بیدار جهانی به دنبال افشای واقعیت های پشت پرده مرگ مالک شب و روز نمی شناسند. خانواده شرعی خواهان دسترسی به جسد مالک و کالبد شکافی آن هستند تا واقعیت های مرگ مالک بر همگان روشن شود. این خانواده داغدار همچنان تلاش دارند به هر وسیله ای خود را به خاک آلبانی رسانده و در آنجا پرونده ای برای بررسی مرگ مالک در حضور مقامات قضایی کشور آلبانی بگشایند. بی شک تمام فعالین حقوق بشر و انسان های با وجدان و بیدار و آن هایی که برای احقاق حقوق انسان ها تلاش می کنند در این مسیر آن ها را حمایت می کنند.

مریم رجوی باید بداند شرایط به نسبت گذشته کیفاً تغییر کرده و در پشت هیاهوی این خیمه شب بازی مضحک که وی نقش عروسک نخی آن را بازی کرد نمی تواند از مکافات آن شانه خالی کند خون به ناحق ریخته شده مالک چون سیلی خروشان بنیان رجوی ها را از بن خواهد کند.



چه وقت "سمیه ها" از حصار فرقه مجاهدین در آلبانی رها خواهند شد؟

آلبانی

مجاهدین در آلبانی) صورت گرفته است که
ملاحظه می کنید.

آقای مصطفی محمدی گفت:

... سال هاست که من و مادر سمیه در هر
آکسیون اعتراضی، اینجا، اوورسورواز، عراق،
مقابل دیوار اشرف، لیبرتی برای نجات فرزندانمان
شرکت می کنیم. شرایط آن ها هم در آلبانی به
این ترتیب است که فرقه تروریستی رجوی به
هیچ وجه راضی نیست و نمی خواهد بگذارد که
یک نفر هم از این فرقه جدا شود. من با خیلی از
بچه هایی که جدیداً از فرقه مجاهدین در آلبانی
جدا شدند صحبت کردم، افراد در درون تشکیلات
مجاهدین ترس و وحشت دارند. حتماً شنیدید مثل

به دعوت انجمن یاران روز ۳۰ جولای ۲۰۱۸ برابر
با ۹ تیرماه ۱۳۹۷ اعضای جدا شده از مجاهدین
خلق در اعتراض به سیاست های فرقه گرایانه،
خشونت طلبانه و نقض حقوق بشر در فرقه
مجاهدین و همچنین اعتراض به ادامه خیانت و
مزدوری رهبری سازمان مجاهدین برای جنگ
طلبان در میدان شتله پاریس گرد هم آمدند و در
مورد ماهیت فرقه رجوی به روشنگری پرداختند.
حتماً مطلع هستید که در همین روز هم مریم
رجوی در پناه جنگ طلبان بین المللی در ویلپنت
پاریس در رسای ترور و خشونت سخن گفت و در
حاشیه این آکسیون اعتراضی اعضای سابق
مجاهدین خلق، گفتگویی با آقای **مصطفی
محمدی پدر سمیه محمدی** (اسیر در فرقه



درب قفس را باز می کنی هنوز وحشت دارد بیرون
بیاید و ...

اقای مالک شرایی که او را در رودخانه ای کشتند،
این ذهنیت هست که هر کس (منتقد باشد)
بخواید برود بیرون، همین بلا سرش می آید و
مثل مالک شرایی خواهد شد و این ترس و
وحشت در درون و وجود این افراد لانه کرده است.
بیست، سی حتی تا چهل سال در اشرف و عراق
با این ترس و وحشت زندگی کرده اند و در این
فرقه بر اثر مغزشویی برای آن ها عادت شده است
و تصور می کنند چیزی جز این نیست، مثل پرنده
ای که سال ها در قفس بوده است و وقتی هم

سال هاست که من و مادرِ سمیه در هر آکسیون
اعتراضی، اینجا، اوورسورواز، عراق، مقابل دیوار
اشرف، لیبرتی برای نجات فرزندانمان شرکت می
کنیم. شرایط آن ها هم در آلبانی به این ترتیب است
که فرقه تروریستی رجوی به هیچ وجه راضی نیست
و نمی خواهد بگذارد که یک نفر هم از این فرقه جدا
شود.



دیدار آقای عادل کشمیری با اعضای دفتر انجمن نجات خوزستان

از اعضا در جهت منافع خود و پُر کردن حساب مالی مریم رجوی سوءاستفاده نمایند. من شکی ندارم که اعضا هیچ علاقه ای به ماندن در این سازمان ندارند ولی به خاطر تأثیرات مخرب مغزشویی فکر می کنند در خارج از سازمان هیچ آینده ای نخواهند داشت چون هیچ گونه اطلاعی از وضعیت بیرون به دلیل شرایط بسته داخل فرقه ندارند."

آقای کشمیری آرزو کرد که با تلاش خانواده ها هر چه زودتر شرایط آزادی اعضا فراهم شود. اعضای انجمن نیز متقابلاً برای رهایی اعضای تحت اسارت فرقه به خصوص برادر ایشان دعا کردند.

شده اند. آن ها با پخش خبرهای دروغ و به منظور ایجاد ترس و وحشت چنین در اذهان اعضا القا می کنند که در صورت خروج از مقر اشرف ۳ سرنوشت نامعلومی در انتظارشان می باشد. ولی تمام این ترفندها کارساز واقع نشده و موج فزاینده جدایی نیروها با شتاب هر چه بیشتر ادامه دارد. آقای کشمیری ضمن تشکر از توضیحات اعضای انجمن گفتند: "من واقعاً مانده ام که این ها با کدام نیرو توهم سرنگونی نظام ایران را دارند؟ یک تعداد انسان های مسن و به لحاظ جسمی درب و داغون چگونه می خواهند سلاح به دست بگیرند؟ سران این سازمان فقط می خواهند

آقای عادل کشمیری برادر **نادر کشمیری** (از اعضای تحت اسارت فرقه رجوی) روز یکشنبه مورخه ۹۷/۴/۳۱ در دفتر انجمن نجات خوزستان حضور به هم رسانده و با اعضای آن ملاقات نمود. در ابتدای این دیدار اعضای انجمن ضمن خوش آمد گویی به آقای کشمیری اخبار آخرین وضعیت آلبانی و نفراتی که جدیداً موفق به جدایی از این فرقه شده اند را به اطلاع آقای کشمیری رساندند و تأکید کردند شرایط به گونه ای است که سرکردگان فرقه برای جلوگیری از ریزش نیرو و جدایی اعضا به شیوه های کنترلی فشرده تری متوسل

من شاهد خودکشی زهرا نوری در سازمان مجاهدین بودم

رده شورای رهبری بود. وی همیشه معترض و خواهری شوخ طبع و مهربان بود. او با هر برخورد و صحبتی اعتراض را نسبت به تشکیلات رجوی بیان می کرد و به این دلیل مورد کینه و دشمنی شدید فرماندهی قرارگاه اشرف بود.

من نیز به اذیت ها و شکنجه های روحی و جسمی ایشان توسط تشکیلات مریم شهادت می دهم.

من شدیداً به عدم رسیدگی بعد از خودکشی و در واقع کشتن زهرا نوری توسط تشکیلات مریم مظنونم، مثال ها زیاد است:

وادر به خودکشی کردن دیگر زنان به ویژه مینو فتح علی، مهری موسوی و مرجان (فائزه) اکبری و... توسط تشکیلات مریم غیر قابل انکار است.

فرشته هدایتی در ادامه مصاحبه هایش به نمونه مهم و دردناک خودکشی در فرقه تروریستی مجاهدین خلق ایران با همنشین بهار می پردازد.

فرشته در بخشی از صحبت هایش به خودکشی خانم زهرا نوری، خانم جوانی که در اثر شدت فشارهای تشکیلات و انقلاب مریم رجوی دست به خودکشی زد می پردازد. به گفته های ایشان من نیز گواهی می دهم.

زهرا نوری انسانی بسیار مهربان و صمیمی بود و به دلیل مهربانی و قلب پاک همه او را دوست داشتند.

* زهرا نوری در بخشی از قرارگاه اشرف به نام "قرارگاه خواهران" که فائزه محبت کار (زجرکار) فرمانده آنجا بود و ژاله دایی الاسلام معاون ستاد آنجا بود، در قسمت ستاد و در





بخشی از گفت و شنود همنشین بهار با خانم فرشته هدایتی درباره خودکشی زهرا نوری (از قسمت دوم)

وقتی به خاطرات دردناک گذشته فکر می کنم، به روزگار سپری شده و عمری که بر باد رفت، گرچه در خود می روم و دلگیر می شوم اما ناگهان نهیب حافظ را هم به یاد می آورم که: **“بگذرد این روزگار تلخ تر از زهر”** جای ناامیدی نیست.

کسوف، آنجا که کامل می شود، نقطه آغاز روشنی است و شب وقتی به غایت خود می رسد صبح می شود.



زهره قائمی از معاونین سازمان و از محافظین درجه یک رجوی و مسئول ستاد داخله که در آن زمان مسئول من بود.

(بعد از تسلیم رجوی به آمریکایی ها و تحویل سلاح های سازمان به آن ها و بعد از خروج لورن سوژی نماینده صلیب سرخ که برای بازدید از نقض حقوق بشر به قرارگاه اشرف آمده بود و در جلسه ای که در سالن غذاخوری ستاد داخله در قرارگاه اشرف برگزار شد من میز سازمان را بر سرش خراب کردم، واقعه آن روز را در فرصتی دیگر بازگو خواهم کرد.) بعد از رفتن لورن سوژی از قرارگاه اشرف، زهره قائمی مرا به اتاقش صدا کرد و در حضور فاطمه همدانی پیام رجوی را به من داد و گفت: **“زهرا میرباقری تو آبروی ما را بردی، کاری که تو کردی برادران نکردند.”**

در ادامه گفت:

“ما برای خود بریده ایم که تو بمیری”

خودکشی کردن در سازمان مجاهدین مریم رجوی

زهرا نوری آن موقع یکی از خواهران دلسوز شورای رهبری با سابقه زندانی سیاسی، ایشان از زندانیان بعد از انقلاب ضد سلطنتی بودند.

متأسفانه تشکیلات به ایشان گیر داده بود به خاطر روحیه خاصی که داشت. به این دلیل که همواره حالت اعتراضی نسبت به موضوعات داشت، او را سوژه می کردند و به او ایراد می گرفتند، توی نشست ها به او انگ اخلاقی می زدند. در اینجا بگویم، کسی در

”فرشته هدایتی: من شاهد یکی از بهترین دوستانم در قرارگاه اشرف برای خودکشی بودم.

سؤال: شما شاهد بودید؟

فرشته : بله من شاهد بودم، من داستانی را الان برایتان می گویم که مطمئنم جای دیگری نشنیده اید. من برای اولین بار صحبت می کنم به خاطر این که باری از وجدان خودم بردارم.



وقتی پی گیر شدم که چرا این طور شده، فهمیدم که مجدداً او را در نشست (زنان شورای رهبری لایه اول) سوژه کرده و به او فشار آورده اند.

زهره نوری بیماری خونی داشت که می بایست به صورت ثابت دارویی به نام والفارین را مصرف کند، دکتر بسیار تأکید کرده بود که اگر این قرص را قطع کند برایش خطر مرگ دارد. این موضوع را من، همه و دکتر می دانستیم و این را می دانستیم که اگر این قرص را قطع کند مرگش حتمی است.



خودکشی، خودسوزی، بازجویی، شکنجه و قتل در فرقه مخوف رجوی

برگزار نشد. حتی برخلاف کارهای تبلیغی سازمان توی اطلاعاتیه های بعد از فوتش به سوابق او توجه نشد و مراسم تدفینش بسیار مختصر بود، همه این ها حاکی از جنگی بود که بین او و تشکیلات وجود داشت. شما می توانید یقین داشته باشید که خیلی از این ها به دلیل همین فشارهایی بود که تشکیلات به زهره آورده بود.

تنظیم و پیاده از نوار صحبت های فرشته هدایتی
زهره سادات میرباقری

تشکیلات سازمان باید باشد تا تصور کند که ما در چه حصارى بودیم! زن های آنجا حتی اجازه نداشتند با خواهر بغل دستی خود رابطه صمیمانه داشته باشند.

توی نشست ها به او انگ اخلاقی می زدند که چرا رابطه ات با فلان خواهر که هم ستاد و هم کار خودش بود، بیش از حد صمیمانه است؟ این موضوع آن قدر کش پیدا کرد که کار به جاهای باریک کشیده شد.

یک روز وقتی به آسایشگاه رفتم دیدم زهره نوری خوابیده و پتو را روی سرش کشیده؛

او به دلیل فشارهایی که توی نشست به او آورده بودند تصمیم گرفته بوده که قرصش را قطع کند. این که می گویم تصمیم گرفته بوده قطع کند به این دلیل است که از خوردن، آشامیدن و همه چیز خودداری

کرده بود. الآن می توانم بگویم که او اعتصاب کرده بود، اعتصاب غذا و دارو.

وقتی او را به بیمارستان برده بودند دکترها متوجه شده بودند که دارو قطع شده است. من از اقداماتی که توی بیمارستان کردند مطلع نیستم ولی می دانم که خیلی دیر شده بود.

بعد از مدت کوتاهی فوت او را اعلام کردند، با توجه به این که **زهره نوری** عضو شورای رهبری بود ولی هیچ مراسم خاصی برایش



رجوی هم باید مثل عدنان اوکتار دادگاهی شود

خبر دستگیری رهبر یک فرقه در ترکیه در چند روز گذشته پوشش گسترده ای در رسانه ها داشت. رهبر این فرقه که در احاطه ی زنانی زیبا و مد روز سخنرانی می کند و آن ها را "بچه گربه هایش" می خواند، موضوع جالب توجه و بحث برانگیزی برای رسانه های خبری بود. بدیهی ست که انتشار این خبر هشدار ی ست نه تنها برای خانواده های ترکیه ای بلکه برای خانواده ها در همه ی جوامع، زیرا تهدید فرقه ها همواره و همه جا در کمین افراد جامعه است.

فیلم ها و عکس های عدنان اوکتار که گزارش های دستگیری اش را مصور کرده است، او را در مکان های پر زرق و برق و در میان زنانی با آرایش زیاد و لباس های نیمه عریان نشان می دهد؛ زنانی که اطرافش می رقصند و به نظر می رسد که مسحور وی هستند.

پیروانش، دستگیر کرده است. اتهاماتی که به عدنان اوکتار وارد شده است بسیار شبیه است به اتهاماتی که تاکنون به دیگر رهبران فرقه های مخرب وارد شده است و شباهت ویژه ای دارد به اتهاماتی که به مسعود رجوی رهبر مفقود شده مجاهدین خلق وارد است اما مسعود رجوی هرگز به دلیل این اتهاماتش تحت پیگرد قانونی قرار نگرفت.

وی البته در سال ۲۰۱۰ یعنی هفت سال پس از ناپدید شدنش برای اقدامات تروریستی و قتل و غارت مردم عراق توسط دولت عراق تحت پیگرد قانونی قرار گرفت. همچنین، با توجه به این که پس از به راه انداختن جنگ مسلحانه و کشتار علیه مردم ایران، از کشور گریخت و به آغوش صدام پناه برد، نیروهای امنیتی ایران هم هیچ وقت نتوانستند به او دست پیدا کنند. در سال ۲۰۰۳ نیز پلیس فرانسه مریم رجوی، یعنی همسر سوم مسعود رجوی را به جرم پولشویی و اقدام برای فعالیت های تروریستی دستگیر کرد،

به نظر می رسد که این خبرها هشدار ویژه ای است برای کسانی که از سوءاستفاده های جنسی و شرایط نقض حقوق بشر در تشکیلات مجاهدین خلق (فرقه ی رجوی) آگاه هستند. نگرانی ها وقتی بیشتر می شود که بدانیم قربانیان فرقه ی رجوی و آزار و اذیت های جسمی و روانی که به آن ها وارد شده است به ندرت در رسانه های فراگیر بازتاب یافته است، چرا که تشکیلات فرقه رجوی همواره تلاش کرده است که چهره ی واقعی خود را زیر نقاب دموکراسی و فمینیسم پنهان کند.

عدنان اوکتار یک چهره ی تلویزیونی است که با سخنرانی ها و برنامه هایش فرقه اش را تبلیغ می کند. وی در ویلایش در شهر استانبول دستگیر شد. پلیس ترکیه او را به اتهام های گوناگون از جمله تشکیل دسته ی جنایت کاران، سوء استفاده جنسی از جوانان و کودکان، آزار و اذیت جنسی زنان، کودک ربایی، رشوه، پول شویی و سوءاستفاده از احساسات مذهبی



بلافاصله پس از دستگیری مریم، مسعود رجوی ناپدید شد و از آن پس کسی او را ندید. دستگیری مریم موج خودسوزی پیروان فرقه را در پی داشت و ماهیت فرقه ای این تشکیلات را در اروپا آشکار کرد اما همه آن صحنه های دلخراش باعث نشد که مسعود و مریم رجوی به عنوان رهبران یک کیش شخصیتی مخرب تحت پیگرد قانونی قرار بگیرند.

به هر حال، اکنون مسعود رجوی چه مرده و چه زنده باشد، مورد شکایت شمار زیادی از اعضای سابق کیش شخصیتی اش است. موارد نقض حقوق بشری که در فرقه ی رجوی رخ داده است شامل طیف وسیعی است، از سوءاستفاده ی جنسی گرفته تا شکنجه و قتل اعضای داخلی فرقه. بخش هایی از این موارد در گزارش دیدبان حقوق بشر با عنوان "خروج ممنوع" در سال ۲۰۰۵ منتشر شد اما باعث نشد که رهبران مجاهدین خلق تحت پیگرد قانونی قرار بگیرند. با این وجود، گزارش های فجیع تر از نقض حقوق اعضای مجاهدین خلق در سال های بعد هر روز بیشتر شده است و به تعداد شهادتی که حاضر هستند در دادگاه های بین المللی علیه سران فرقه رجوی شهادت بدهند افزوده شده است.

شاید یکی از مهم ترین افشاگری ها درباره مسعود رجوی توسط بتول سلطانی انجام شد. او شجاعانه مسائلی را از درونی ترین لایه های فرقه ی رجوی فاش کرد که به گفته ی خودش هنوز هم یادآوری آن ها برایش "بسیار دشوار" است.

سلطانی از مراسمی حرف زد که "رقص رهایی" نام داشت و در آن زنان عضو شورای رهبری

تشویق می شدند که در مقابل مسعود رجوی عریان شوند و برقصند و مریم رجوی به عنوان برگزار کننده ی مراسم "رقص رهایی" زنان را وادار به این کار می کرده است.

به گفته ی سلطانی سران فرقه داشتن روابط جنسی با رجوی را امر مقدسی جلوه می دادند و مسعود رجوی آن را با آیات قران توجیه می کرده است. بتول سلطانی بعدها به همراه چند تن دیگر از زنان جدا شده از فرقه در پارلمان اروپا شهادت داد. در این جلسه نسرین ابراهیمی از جنایت دیگری در فرقه گفت و آن بیرون آوردن رحم زنان عضو فرقه رجوی بود.

آن ها یک لیست صد نفره از زنان هم رزم سابقشان به پارلمان اروپا ارائه دادند که همگی تحت عمل جراحی بیرون آوردن رحم قرار گرفته بودند. عضو دیگر جدا شده، زهرا میرباقری معتقد است که بیرون آوردن رحم زنان شورای رهبری برای این است که زنان پس از رابطه با رجوی باردار نشوند. شهادت های بتول سلطانی از سوی مردان جدا شده از فرقه نیز تأیید می شود.

قربان علی حسین نژاد، مترجم شخصی مسعود رجوی در فیس بوک خود می نویسد: "علناً رجوی به ما گفت بند الف یعنی طلاق و بند ب یعنی محرمیت یعنی همه ی زاناتان را باید نوامیس رهبری بدانید و همه باید در ذهنشان شب ها که می خوابند بگویند الآن زنم با برادر مسعود خوابیده. این را به شخص من گفتند. به من گفتند تو برای این که زن شهیدت را از ذهنت بیرون کنی باید او را در ذهنت در بستر برادر مسعود ببینی. والله اشتباه نشنیدم به فارسی هم گفتند."



او عیناً جمله های مهدی ابریشم چی — همسر سابق مریم که او را طلاق داد تا با مسعود رجوی ازدواج کند— را بازگو می کند: "زنان شما پا جا پای خواهر مریم گذاشته اند. یعنی همان گونه که خواهر مریم از من طلاق گرفت با برادر مسعود ازدواج کرد زنان شما هم از شما طلاق گرفته با برادر مسعود ازدواج کرده اند و الآن همه شان زنان و نوامیس برادر مسعود هستند. وقتی به زن سابق نگاه می کنی یعنی به ناموس برادر مسعود چشم داری."

حسین نژاد در پاسخ به کسانی که بتول سلطانی را عامل جمهوری اسلامی می دانند و شهادت های وی را دروغ تلقی می کنند، می گوید: "من اصلاً کاری با حرف های بتول سلطانی ندارم ولی سندهایم خارج از اوست. قبل از این که بتول سلطانی بیرون برود و همخوابگی رجوی با زنان شورای رهبری را افشا کند من خودم در داخل تشکیلات ازدواج رجوی با زنان و درآوردن روسری هایشان جلوی مسعود را از دوست و همکارم، شوهر سابق یکی از زنان شورای رهبری شنیدم که به شوهر سابقش مخفیانه نقل کرده بود."

همچنین یکی از زنان عضو دفتر مسعود رجوی (از یازده عضو دفترش که همه شان زن بودند) که شاگرد زبان عربی من بود و من به دستور رجوی برایش تدریس عربی می کردم به شخص من گفت که رجوی با ما اعضای دفترش سکس دسته جمعی می کند. آن زن از سازمان جدا شد یعنی در سال ۸۶ از اشرف فرار کرد و به خارج آمد."

بنابراین، چنانچه می بینیم، در مقایسه با عدنان اوکتر آن چه درباره ی مسعود رجوی بارز است، عدم صداقت و فریب کاری اوست. عدنان اوکتر دست کم در ملغمه ای که از اسلام سنتی و سکولاریسم مدرن ترکیه ای ساخته است، صادق است. او تلویزیون خصوصی خود را دارد و "مراسم عجیب رقص هایش با زنان نیمه برهنه را در آن جا نمایش می دهد." به گزارش نشریه تایم، بسیاری از ترک ها برنامه های او را مضحک می دانند و برخی از چهره های مذهبی او را دچار عدم تعادل روانی می دانند.

مسعود رجوی و البته همسر و همدستش مریم رجوی هم می توانند اگر نه بیشتر از عدنان اوکتر دست کم به اندازه او مضحک و نامتعادل به نظر برسند. اما قطعاً آن ها بسیار فریب کارتر و شاید باهوش تر از اوکتر هستند چرا که همه جنایت های زیرزمینی شان را دست کم برای سه دهه مخفی نگه داشتند و محیط فرقه شان را چنان زیر نام مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت منزوی نگه داشتند که کمتر جنایاتشان به بیرون درز کرد.

مسعود و مریم رجوی باید به اتهامات بسیار مشابه به عدنان اوکتر و بلکه بسیار بدتر از او، به میز محاکمه کشانده شوند حتی اگر ظاهر تشکیلاتشان چیزی غیر از این را نشان بدهد. بله، زنان عضو فرقه ی رجوی، رنگ پریده، خسته، فرسوده و شکسته، بدون آرایش و جراحی زیبایی هستند اما نگاه و رفتار جنسیتی به آن ها چنان بوده است که گویی هزاران سال قربانی برده داری مدرن زیر یوغ رجوی ها بوده اند.



سازمان مجاهدین دست «بولتون» است

«ابراهیم خدابنده» از اعضای سابق سازمان مجاهدین خلق (مجاهدین) ۲۳ سال از بهترین روزهای جوانی اش را در این گروه گذرانده است. وی در سال ۱۳۸۲ طی حادثه ای از این فرقه جدا شد و از آن پس تاکنون، در گفتگوها و سمینارهای مختلف، تجربیات حضورش در این گروه را بیان می کند. به مناسبت سالروز عملیات غرورآفرین مرصاد که مجاهدین از آن به عنوان «فروغ جاویدان» یاد می کنند، به سراغ خدابنده رفتیم.



وی در این گفتگو نکات جالبی از تشکیلات گروه مجاهدین، نقش این سازمان در ترورهای دهه شصت به خصوص انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی در ۷ تیرماه و انفجار دفتر نخست وزیری در ۸ شهریور سال ۶۰ و همچنین رد پای مجاهدین در حوادث تروریستی حرم حضرت امام و مجلس شورای اسلامی در خرداد ماه سال گذشته را بیان می کند.

خدابنده در ابتدای این گفتگو با اشاره به همایش چند ماه پیش گروهک تروریستی مجاهدین خلق در پاریس گفت: این همایش ها ربطی به مجاهدین خلق ندارد، همانطور که ربطی به فرانسه هم ندارد. چنین همایش هایی پروژه کاخ سفید است. الآن شعار این گروههایی ها مانند گروههایی قبلی که چند ماه پیش بود و به مناسبت دیگری بود، در یک کلام، تشدید تحریم ها و تغییر رژیم است.

وی در همین باره تصریح کرد: اینک خاصیت سازمان مجاهدین خلق برای آمریکا همین است؛ سازمان، تنها گروه اپوزیسیون است که مدافع تشدید تحریم ها علیه ملت ایران است. نام این پروژه صهیونی وهابی را هم همایش «ویلپنت» گذاشته اند چون تبلیغات آن را صهیونیسم انجام می دهد، پول آن را وهابی ها می دهند، خطش را هم کاخ سفید می دهد.

خدابنده تأکید کرد: مسعود رجوی قبل از آغاز جنگ، یعنی در سال ۵۸، سفری مخفیانه به پاریس داشت و در فرانسه با وساطت فرانسوی ها به عراق وصل شد. سران سازمان می گفتند ما با عراق در سنگر مجزا می جنگیم چون با جمهوری اسلامی مرزبندی داریم. شما نزد هر دولت یا نظامی این را ببرید و بگویید کشور در حال جنگ است، تجاوز خارجی است، یک نیرویی چنین حرفی زده، معنی اش چیست؟ می گوید آیا می شود رفت جبهه و سنگری را جدا کرد؟ سنگر مستقل یعنی چه؟! یعنی نمی خواهد در جنگ شرکت کند؛ یعنی دارد تشویق می کند در جنگ و دفاع شرکت نکند.

وی با اشاره به انفجار روز هفتم تیرماه سال ۶۰ که به شهادت آیت الله بهشتی و جمعی از اعضای حزب جمهوری اسلامی منجر شد گفت: روز ۷ تیر سال ۶۰ من منچستر بودم و از جلوی کنسولگری ایران در منچستر عبور می کردم که دیدم درب کنسولگری را بسته اند، پنجره ها هم بسته است؛ یک بنر بزرگ هم نصب کرده اند. رفتم جلو دیدم نوشته به دلیل شهادت آیت الله بهشتی و یارانش کنسولگری عزادار و بسته است. یکی از بچه های انجمن اسلامی که مرا می شناخت و نمی دانست که از انجمن اسلامی جدا شده ام از من پرسید به نظر تو کار کیست؟ گفتم: «مشخص است کار آمریکا یا سلطنت طلب ها و ضد انقلاب» یعنی ذره ای در ذهن من خطور نمی کرد که مجاهدین خلق این کار را کرده باشند. سازمان هم مسئولیت آن را نمی پذیرفت؛ نه به دلیل این که مشکل بین المللی داشت؛ به دلیل این که هنوز فضای داخل سازمان، اعضا و هوادارها برای این کار آماده نشده بود.

خدابنده تصریح کرد: حدود ۱۵ سال بعد، آمریکا نام سازمان مجاهدین خلق را وارد لیست تروریستی کرد. رجوی در عراق بود و بسیار به هم ریخته بود. در آن زمان به عراق می رفتیم و نشست های کوچکی با مسعود رجوی داشتیم و برای کار خارج توجیه می شدیم. در آن نشست که فکر کنم حدود ۶۰، ۷۰ نفر بودند، گفت: «آمریکا آمده یک حالی به دولت اصلاحات بدهد! و راه گفتمان را باز کند، ما را وارد لیست کرده؛ یعنی ما را قربانی کرده است؛ چرا آن زمان که ما ۷ تیر یا ۸ شهریور را به وجود آوردیم و مدام در ایران ترور می کردیم و می کشتیم، آمریکا به ما نگفت تروریست؟ الآن ۱۰ سال است ما هیچ عمل نظامی انجام نداده ایم اما به ما می گوید تروریست؟ پس این یک ژست تبلیغی است» یعنی رجوی قبلاً می گفت، این عملی ضد آمریکایی بود اما الآن می گوید مورد تأیید آمریکا بود.

وی با اشاره به ارتباط محمدرضا سعادتی (از نفوذی های مجاهدین) با سفارت شوروی سابق گفت: ۲۵ بهمن سال ۵۷ یعنی سه روز پس از انقلاب اسلامی، سازمان نفراتی را به سفارت شوروی فرستاد؛ سازمان با مراجعه به سفارت شوروی گفت ما برای انقلاب، به سلاح نیاز داریم - این ها در خاطرات «ولادیمیر کوزیچکین» کاردار دوم سفارت شوروی در ایران که محمدرضا سعادتی ۶ اردیبهشت ۵۸ در دیدار با وی دستگیر شد آمده است. می گوید ما به او (سعادتی) گفتیم انقلاب شما که پیروز شد، شاه هم



که رفت؛ بعد او گفت نه این که انقلاب نبود! آن ها (کسانی که انقلاب کردند) همه آمریکایی هستند! انقلاب اصلی را باید ما انجام بدهیم و شما باید به ما کمک کنید که شوروی ها به او می گویند ما در ارتش شاه نفوذی داشتیم که این نفوذی لو رفت؛ ما می خواهیم بدانیم او چگونه لو رفته است؟ سازمان آن زمان در دادستانی نفوذی داشت، پرونده طرف در دادستانی را دزدیده و تحویل او (مأمور شوروی) دادند و به جای آن، یک سری دوربین شب و تجهیزات نظامی گرفتند که آنجا موضوع لو رفت و سعادت دستگیر شد. خود سازمان ادعا کرد سفارت آمریکا ما را لو داده است.

خدابنده با اشاره به توجیه انفجار ۷ تیر برای سازمان گفت: رجوی در صحبت هایی که می کرد - البته من آن زمان به روشنی صحبت ها را متوجه نمی شدم بعداً که راجع به آن فکر کردم و مطالعه کردم فهمیدم - می گفت، امام، حال نظام است و بهشتی آینده نظام و سازمان اگر بخواهد میان حال و آینده، یکی را برای زدن انتخاب کند، قطعاً آینده را انتخاب می کند یعنی معتقد بود، اگر جمهوری اسلامی خواستار تداوم است، فقط با بهشتی می تواند تداوم پیدا کند و گر نه بی آینده خواهد بود. این تحلیل رجوی در نشست ها بود. بعدها هم وقتی به ادبیات سازمان دقت می کردید، مشاهده می کردید که همیشه می گفتند: «نظام بی آینده شد» یعنی تصور رجوی، همان تزیقی شهرام بود که می گفت نفر کلیدی آن جریان، بهشتی است و این را آمریکایی ها هم می دانستند.

وی تأکید کرد: بعضی ها می پرسند رجوی از این که پنهان باشد چه منفعتی می برد؟ این سؤال یک اشکال دارد و آن این است که گویا رجوی از خودش اختیاری دارد که پنهان باشد یا نباشد. بعد از سقوط صدام، رجوی هم سقوط کرد چون سرنوشتش را به صدام گره زده بود. بعد از اعدام صدام، رجوی هم به لحاظ بین المللی، اجتماعی و سیاسی اعدام شد. مسعود به اراده و انتخاب خودش کنار گذاشته نشده بلکه او را کنار گذاشتند. اکنون آمدند سازمانی ساختند و این سازمان، داخل اروپاست و رهبر آن، مریم رجوی است؛ غربی ها می گویند دیگر با سابقه سازمان هم کاری نداریم؛ اکنون سازمان به یک گروه مخالف ایرانی که حرف کاخ سفید را می گوید، تبدیل شده است. مسعود رجوی را به لحاظ بین المللی و به لحاظ سیاسی و اجتماعی کُشتند و این که سرش روی خاک است یا زیر خاک، تفاوتی نمی کند.

خدابنده گفت: در حال حاضر سازمان به درد غرب می خورد. سازمان خودش را در اختیار آمریکا قرار داده و هر حرفی یا هر کاری که آن ها بگویند و انجام دهند، تکرار می کند. با انگیزه های ضد امپریالیستی اعضای را مانند من جذب کرده اما اینک عمه مک کین شده اند. مک کین حامی مالی داعش است؛ کشور آلبانی محل ترانزیت سلاح برای داعش از غرب بوده است و حال سر و کله سازمان پیدا شده و داعشی ها را هم دارند به آلبانی می برند. اهالی آنجا می گویند، آمریکا اینجا را خریده است! قوانین آمریکا اینجا حاکم نیست اما قدرت آمریکا حاکم است.

وی با اشاره به نقش سازمان مجاهدین در حوادث تروریستی حرم امام و مجلس شورای اسلامی گفت: در کار تروریستی که داعش سال گذشته در مجلس و حرم امام (ره) انجام داد، بسیاری می گویند این نوع آمدن و نفوذ کردن ها، بدون راهنمایی و همکاری با مجاهدین خلق امکان پذیر نبوده است؛ افرادی که هیچ وقت پایشان به تهران نرسیده، یک باره بیایند چنین کاری انجام دهند، قطعاً از سوی



سازمان توجیه شده و امکانات لازم در اختیارشان قرار داده شده بود. در قضیه ترور دانشمندان هسته ای هم بعداً «سیمور هرش» گفت: «افراد سازمان در این قضیه نقش داشتند.» سازمان این استفاده ها را برای غرب دارد.

خدابنده درباره دیدار دو تن از اعضای سازمان در سال ۵۰ با حضرت امام (ره) اظهار

داشت: اولین اقدامی که سازمان برای جذب انجام داد، افرادی را سال ۵۰ در نجف خدمت امام فرستاد. یک بار قبل از این در سال ۴۷، از آقایان آیت الله طالقانی، آیت الله منتظری، آیت الله هاشمی رفسنجانی، آیت الله میلانی و یاسر عرفات تأییدیه گرفته بودند و همه آن ها از امام خواسته بودند تا ایشان را تأیید کنند. امام گفتند بیایید بنشینید حرف هایتان را بگویید. بعد آقای دعایی (سید محمود دعایی) می گوید: «کتاب هایشان را آوردند، آن قدر ریز بود که با عینک هم نمی شد خواند؛ امام هم به من گفتند بلند بلند این ها را برای من بخوان، من هم بلند بلند کتاب ها را خواندم، امام یک ماه وقت گذاشتند تا ببینند این ها چه می گویند، آخر قضیه امام این ها را با یک جمله تعریف کردند و گفتند، اولاً مبارزه مسلحانه شما که به جایی نمی رسد، حالا در مورد اعتقاد و اسلام تان، شما به لحاظ اسلامی، قبل از این که «تعبد» داشته باشید، «تمسک» دارید.»

وی با اشاره به ارتباط رجوی با ساواک گفت: مسعود رجوی قبل از ضربه شهریور (دستگیری

سران سازمان مجاهدین خلق در شهریور ماه سال ۵۰) یعنی در مرداد ماه دستگیر شد و در اسناد ساواک هم موجود است که سپهبد نصیری رئیس ساواک در حکم رجوی، برای او درخواست تخفیف کرده و گفته همکاری کرده و حتی دستگیری بنیانگذاران را او باعث شده است! پس از این، مسعود رجوی و عده دیگری حکم اعدام گرفتند، حکم همه اجرا شد اما برای او اجرا نشد؛ رجوی فعالیت های بین المللی کرده بود. کاظم رجوی، برادرش سفیر ایران در فرانسه یا سوئیس بود، در عین حال با ساواک کار می کرد یعنی همیشه راجع به فعالیت های دانشجویان در آن کشور به ساواک گزارش می داد، وقتی وارد این قضیه شد، رجوی را وادار به همکاری با ساواک کرد تا اعدام نشود و بعداً اسناد این ها منتشر شد؛ متأسفانه جمهوری اسلامی روی این مسائل، چندان کار نمی کند که این اسناد را منتشر کند. بالأخره رجوی در آن ماجرا اعدام نشد!

خدابنده با اشاره به سازماندهی ترورها توسط سازمان در فرانسه گفت: دولت فرانسه کلاً

دل خوشی از مجاهدین نداشت؛ در «ویلپنت» هم واقعیتش این است که حتی یک فرانسوی هم جزء سخنرانان یا جزء حامی ها یا پیام دهنده ها نبود اما به قول برادرم، «سیا» چنین همایش هایی را به فرانسه تحمیل می کند. برادرم، نزدیک مسعود رجوی و در دفتر وی بود که وقتی به مأموریت اروپا رفت، دیگر برنگشت و جدا شد. همه می دانستند ترورها را رجوی از فرانسه برنامه ریزی می کند. یک بار پلیس امنیت فرانسه، خانه ای را در پاریس گرفت که رسانه ای شد. ۱۲۰ خط تلفن در این خانه بود، خانه بزرگ و قدیمی ای بود که آن را با پارتیشن به اتاق های یک متری تبدیل کرده بودند و در هر کدام، یک خط تلفن وجود داشت، بعد آنجا سازماندهی داشتند. یکی مسئول اصفهان بود، یکی مسئول شیراز بود؛ بعد برای آن ها سازماندهی داشتند و از طریق تلفن این ترورها را دنبال می کردند که پلیس فرانسه این خانه را بست و



سازمان هم ضربه خورد و واقعاً کشف شد که آن ها دارند از داخل فرانسه ترورهای ایران را سازماندهی می کنند.

عضو سابق فرقه تروریستی مجاهدین خلق درباره طرح شورش زندانیان وابسته به سازمان همزمان با عملیات فروغ جاویدان در سال ۶۷ نیز اظهار داشت:

اصلاً سازمان در زندان اوین تشکیلات، سلسله مراتب و ارتباطات گسترده ای با بیرون داشت و قرار بر این بود که شورش کنند و بخشی از کار را آن ها انجام دهند. من یک بار در زندان اوین با اجرای احکام صحبت می کردم؛ پرسیدم افراد چگونه با سازمان مجاهدین تماس می گیرند؟ گفت: «تلفن در زندان آزاد است و ما کاری نداریم، هر کسی کارت تلفن دارد و می رود آنجا با هر کسی بخواهد صحبت می کند؛ ما محدود نمی کنیم!» گفتم به همین راحتی؟ گفت: «به همین راحتی!» همین الآن طرف زنگ می زند برای سالگرد سازمان در گوهردشت جشن گرفته، عکس گرفته و برای سازمان می فرستد.

در کار تروریستی که داعش سال گذشته در مجلس و حرم امام (ره) انجام داد، بسیاری می گویند این نوع آمدن و نفوذ کردن ها، بدون راهنمایی و همکاری با مجاهدین خلق امکان پذیر نبوده است؛ افرادی که هیچ وقت پایشان به تهران نرسیده، یک باره بیایند چنین کاری انجام دهند، قطعاً از سوی سازمان توجیه شده و امکانات لازم در اختیارشان قرار داده شده بود. در قضیه ترور دانشمندان هسته ای هم بعداً «سیمور هرش» گفت: «افراد سازمان در این قضیه نقش داشتند.» سازمان این استفاده ها را برای غرب دارد



خانواده پادزهر توطئه فرقه رجوی علیه جدانشدگان

مسلحانه در مقابل مردم و انقلاب مردمی ایستادند و به خشونت متوسل شدند که توسط همین مردم طرد شده و ناگزیر به ترک ایران و پناه بردن به عراق شدند.

در جنگ هشت ساله صدام، به عنوان پیاده نظام ارتش عراق علیه همین مردم و مناطق و مصالح آنان نقش فعال داشتند و تا بمباران و خمپاره باران، کشتن سربازان مدافع مرزهای کشور و در نهایت جاسوسی

فرقه رجوی یا همان "سازمان منافقین"، در برخورد با خانواده ها، از شعارهای مردم گرایی مبتذل و ادعای جذب و پذیرش خانواده ها گرفته تا اخاذی و اهانت و ضرب و جرح آنان در اطراف پادگان اشرف با تمام و کمال خصلت و خصوصیت فرقه ای و منافقی خود را به اثبات رساند لذا این عبارات را تنها ما به آن نسبت نداده ایم بلکه عملکرد خودشان مؤید همین نام



برای آمریکا و همدستی برای ترور دانشمندان هسته ای ایران توسط اسرائیل سنگ تمام گذاشتند و درونمایه خیانت بار و شرورانه خود را بیرون ریختند.

در عراق بعد از صدام اما، وقتی پدر خوانده و پشت و پناهِشان را از دست داده بودند مجدداً رجوی در تحلیلی در پادگان اشرف اعلام نمود: (عیناً با عبارات و اصطلاحات خاص رجوی) "رژیم خمینی ما را از ملاء اجتماعی و مردمان دور کرد و نگذاشت ما

است. همه آنان که در زمینه سیاسی دستی بر آتش دارند و یا سال های اول انقلاب را به یاد دارند و در طی این دوران پروسه و می کنند، می دانند که سران تشکیلات فرقه و شخص رجوی از آغاز با شعارهای مردم گرایانه وعامه پسند، دفاع از حقوق مردم، آزادی و دموکراسی برای مردم و... شروع به فعالیت و جذب نیرو نمودند اما در همان سال های آغازین انقلاب وقتی اوضاع بر وفق مرادشان نچرخید در ۳۰ خرداد سال ۶۰ با اقدامات و عملیات



به پایگاه اجتماعی مان وصل شویم زیرا از این موضوع وحشت داشت و ما سالیان است با راه اندازی تیم ها و گروه های عملیاتی تلاش کردیم به مردمان وصل شویم حالا که خود مردم و خانواده ها با پای خودشان به جلوی قرارگاه

اشرف آمده اند. چه خوب! از آن ها استقبال می کنیم تا از این طریق به ملت ایران وصل شویم.

(و در ادامه با لحن خودمانی تری خطاب به مسئولین و نیروها گفت) از خانواده ها استقبال کنید، از آن ها کمک مالی دریافت کنید و خواهران و مادران را ترغیب و تشویق کنید هنگام بازگشت مریم را به داخل مردم ایران ببرند و برایش تبلیغ کنند!!!!

در ادامه این رهنمود و دستور العمل، خانواده هایی که بعد از سالیان رنج دوری فرزندان شان موفق شده بودند به عراق بیایند و با فرزندان شان ملاقات کنند، به این صورت که با مراجعه به مقر حفاظت و ورودی قرارگاه اشرف خواستار ملاقات با فرزندان شان می شدند و مأمورین درب قرارگاه ساعتی آن ها را سرگرم می کردند تا مسئولین در داخل آن فرزندان را کامل توجیه نمایند که چگونه پول و طلاهای خانواده را بگیرند و برای سازمان کمک مالی دریافت کنند. خانواده ها بعد از ساعت

ها معطلی به داخل قرارگاه می آمدند و تا چند روز در حلقه های حفاظتی و جاسوسی و کنترل شدید با فرزندان شان ملاقات می کردند، توسط مسئولین از موزه قرارگاه، مسجد و قبرستان دیدن می کردند و برای اخاذی و تبلیغ برای سازمان شستشوی مغزی داده می شدند و این مجموعه فعالیت در خلال ملاقات در جهت اهداف سازمان انجام می شد.

اما بعد از حدود دو ماه در یک جمع بندی سران فرقه رجوی متوجه بی اعتنایی خانواده ها به خواسته های سازمان، اکراه آنان از تبلیغ برای رجوی و خیانت علیه مردم و کشورشان و هرگونه کمک مالی خانواده ها شدند و خانواده ها فقط و فقط فرزندان شان را می خواستند و قطعاً این رابطه خونی و عاطفی بود که کارساز و مؤثر واقع می شد. فرزندان که ملاقات داشتند بعد از ترک خانواده دیگر آن نیروی سرسپرده به رجوی نبودند و به فکر جدایی می افتادند و در خلال چند ماه حدوداً ۸۰۰ نفر از تشکیلات رجوی جدا شدند، لذا خوی



نبرد تبدیل شد. در بیرون سیم های خاردار خانواده هایی بودند که با طی مسافت های طولانی از اقصی نقاط ایران با تحمل گرما و سرما، خطرات احتمالی مسیر و... فقط دیدار فرزندان و جگرگوشه هایشان را خواستار بودند و در مقابلشان اما با انواع تهمت ها و ناسزاها، تهاجمات با سنگ و آهن و تیرهایی که با استفاده از میلگرد ساخته شده بود، مواجه بودند.

این کارزار ادامه داشت تا این که عزم و اراده خانواده ها که بخش کوچکی از مردم ایران بودند در این نبرد پیروز شدند و تا فروریختن آخرین خشت پادگان اشرف و اخراج و بیرون کردن فرقه رجوی از عراق لحظه ای از پا ننشستند.

اکنون که در کشور آلبانی با پادرمیانی و وام بلاعوض دولت آمریکا به دولت آلبانی نیروهای فرقه رجوی پذیرفته شده اند به علت ناامیدی و یأس بیش از پیش نیز روند ریزش نیرو و جدا شدن سرعت بیشتری به خود گرفته و به طور روزانه افرادی تصمیم

فرقه ای و منافقی رجوی هر دو در آن واحد عمل کرد و تصمیم به جلوگیری از ورود خانواده ها به داخل قرارگاه گرفت. خانواده ها از پایگاه مردمی و اجتماعی سازمان به مزدوران وزارت اطلاعات آخوندی تبدیل شدند، خانواده به زعم شخص رجوی، کانون فساد نام گرفتند و نهایتاً شخص رجوی با شعار "نگ ما ننگ ما فامیل الدنگ ما" و تیر و سنگ پرانی علیه خانواده ها فرمان جنگ صادر نمود و این همان درونمایه و خوی ضد مردمی و ضد ایرانی او بود که شعارهای آنچنانی می داد اما در عمل دقیقاً ۱۸۰ درجه عکس آن عمل می نمود.

خانواده ها وقتی با مخالفت سران فرقه رجوی برای ورود و دیدار عزیزانشان مواجه شدند، هر روز با عزمی جزم تر در مقابل پادگان اشرف تجمع کردند و خواستار ملاقات با فرزندانشان شدند. چهار ضلع پادگان اشرف بر اثر مخالفت رجوی با ملاقات با "همان پایگاه اجتماعی و مردم عزیز مورد ادعایش" به صحنه جنگ و



به جدایی می گیرند و خود را به کمیساریای عالی پناهندگان معرفی می کنند و از حقوق پناهندگی بهره مند می گردند.

اگرچه از آغاز این جدایی در آلبانی نیز سران فرقه رجوی از هیچ کوششی علیه همین جداشدگان فروگذار نکردند اما تا حدودی جداشدگان موفق شدند برای رسیدن به حداقل حقوق خود موفقیت هایی به دست بیاورند. اما از آنجایی که سران خود فروخته این فرقه تا آخرین قطره خود و تمام سلول های بدنشان در خدمت و نوکری آمریکا و اسرائیل قرار دارند این بار نیز با اتکا به همان اربابانشان با اعمال فشار بر کمیساریا و مقامات دولتی آلبانی برای جلوگیری از ریزش نیرو و ممانعت از افشاگری جداشدگان همه توان خود را علیه آن ها به کار گرفته و اخیراً توسط کمیساریا تحت فشار قرار گرفته اند که فقط تا شش ماه می توانند از حقوق پناهندگی برخوردار باشند و مرتب اخطار دریافت می کنند که به زودی حقوق و مزایای شما قطع می شود و این عمل دقیقاً برای ایجاد رعب و وحشت برای نیروهای خودشان است که هیچ راهی جز ماندن در داخل تشکیلات نداشته باشند.

حال با این تفاسیر به قدرت و کارآمدی و تأثیرگذاری و نقش فعال خانواده ها می رسیم که می تواند کارزار پادگان اشرف را همچون کابوسی برای رجوی و فرقه جنایتکارش تداعی نماید، لذا خطاب به همه خانواده ها چه خانواده جداشدگان و چه خانواده های افراد گرفتار در چنگال رجوی:

“با سلام و تقدیر و تشکر و قدردانی از تلاش ها و فداکاری ها و مسیر پرپیچ و خمی که تاکنون پیموده اید، اکنون نیز همین شماها هستید که می توانید فرزندان توطئه کثیف رجوی علیه فرزندان گرفتارتان در چنگال رجوی باشید.

با جوششی دوباره، فعالیت در عرصه بین المللی، با مراجعه و نامه نگاری به ارگان های بین المللی، مقامات و مسئولین امور پناهندگی، دولتمردان آلبانی، ارتباط فعال با انجمن های نجات در مراکز استان ها و حتی درخواست ملاقات حضوری و اعزام به کشور آلبانی اجازه ندهید رجوی به اهداف شوم و ضد انسانی خود برسد و همه با هم کمک کنیم تا انسان های گرفتار خودشان از حق تعیین سرنوشت و ابتدایی ترین حقوق خود براساس منشور ملل متحد برخوردار باشند و یقیناً نتیجه کارتان جز پیروزی و موفقیت چیز دیگری نخواهد بود.”

از همه زحمات و توجهات شما
سپاسگزارم.

با احترام – علی مرادی



WWW.NEJATNGO.ORG

email.info@nejatngo.org